

# انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۶۱

جمعه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۷، ۲۷ آوریل ۲۰۱۸

## بازتاب هفته

- مرتضوی در مازندران دستگیر شد
- ماجرای خروج ۳۰ میلیارد دلار ارز
- تعرض گشت ارشاد "به یکی از زنان"

صفحه ۷

اول ماه مه، روز جهانی کارگر:

## روز نمایش عزم و اتحاد

برای بازگرداندن اختیار به

## انسان!

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۴

## معلمان فراخوان اعتصاب سراسری دادند

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۴

## اعتراضات کارگری در آستانه اول مه

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۵

## احضار پنج فعال کارگری در آستانه روز

## جهانی کارگر

در سندج را محکوم میکنیم!

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۵

## طبقه کارگر نماینده انسانیت در برابر نظام ضد انسانی سرمایه است

پیام حمید تقوایی بمناسبت روز جهانی کارگر

صفحه ۲

## پیام به مناسبت روز جهانی کارگر

شهلا دانشفر

صفحه ۲

## گذشته و آینده برجام

مصاحبه تلویزیون کانال جدید با حمید تقوایی

صفحه ۳

## برجام: کلاهی بر سر آمریکا و جمهوری اسلامی

کاظم نیکخواه

صفحه ۴

## کمونیسم، جنبشی برای بازگرداندن اختیار به انسان!

محسن ابراهیمی

صفحه ۵

## کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۸

## زنان شجاع ایرانی

این مطلب در مجله پرتیراژ آلمانی Emma بچاپ رسیده است.

صفحه ۱۰

## گشت ارشاد و کشاکشهای درون حکومت

کاظم نیکخواه

صفحه ۱۱

## اهمیت اعتصاب و اعتراض

## علیه فقر و بیکاری در شهرهای کردستان

نسان نودینیان

صفحه ۱۲

## حمله اوباش به دختران در پارک طبیعت، حمایت

## جامعه و بهم ریختگی صفوف رژیم

نسرین رمضانعلی

صفحه ۱۳

## طبقه کارگر نماینده انسانیت در برابر نظام ضد انسانی سرمایه است

پیام حمید تقوایی بمناسبت روز جهانی کارگر

فرارسیدن روز جهانی کارگر را به کارگران در ایران و در سراسر جهان و به همه مردم آزاده تبریک میگویم. اول ماه مه روز نمایش وحدت و عزم و قدرت طبقه کارگر در مبارزه علیه نظام ضد انسانی سرمایه داری و روز تاکید بر نقش تعیین کننده طبقه کارگر در رهائی جامعه از سلطه سرمایه است.

سرمایه داری برای اکثریت عظیم مردم در چهارگوشه جهان حاصلی بجز ریاضت کشی و فقر و محرومیت و بی حقوقی و تحمیل انواع تبعیضات و مصائب و نابرابری ها نداشته است. امروز سود پرستی سرمایه حتی که ارض را در معرض نابودی قرار داده است. منزلت و معیشت میلیاردها انسان، نفس بقای کره زمین و ساکنین اش، در گرو در هم شکستن نظامی است که هدف و انگیزه ای بجز سود و سودآوری هر چه بیشتر و نتیجه ای بجز انباشت کوه ثروت در دست یک درصدهای حاکم و ریاضت کشی و فقر و بی حقوقی مفرط برای نود و نه درصد مردم جهان در بر ندارد. ریشه همه مصائب مردم دنیا سلطه سرمایه است و امروز این واقعیت بیش از هر زمان دیگر در برابر چشم همگان قرار گرفته است. بشریت برای رهائی از فقر و تبعیض و بی حقوقی، برای رسیدن به یک جامعه آزاد و برابر و مرفه انسانی، و برای بازگرداندن اختیار به انسان، باید از سلطه سیاسی و اقتصادی سرمایه خود را رها کند و این واقعیت طبقه کارگر را در مرکز همه مبارزات و اعتراضات اجتماعی در همه کشورها قرار میدهد. پرچم رهائی جامعه از شر سرمایه و برپائی جامعه ای آزاد، برابر، مرفه و انسانی در دست طبقه کارگر است.

این نقش و جایگاه کلیدی طبقه کارگر را بیش از هر کشور دیگری در ایران تحت سلطه حکومت اسلامی سرمایه میتوان مشاهده کرد. اعتصابات و اعتراضات کارگری که بویژه در چند سال اخیر ابعاد بیسابقه

ای یافته بود زمینه ساز جنبش گسترده و عمومی ای شد که امروز سرنوشتی قریب الوقوع جمهوری اسلامی را به گفتمان جامعه و حتی مقامات و جناحهای حکومتی تبدیل کرده است.

در این مبارزه طبقه کارگر آمال و خواستههای توده عظیم مردمی را نمایندگی میکند که از بربریت سرمایه داری به تنگ آمده اند. نه تنها کارگران بلکه زنان، جوانان، بانزشتگان، دانشجویان، نویسندگان و هنرمندان، خانواده های اعدامیان و زندانیان سیاسی، مالباختگان، همجنسگرایان، مردم منسوب به مذاهب و ملیتهای دیگر، و در یک کلام نود و نه درصد مردم ایران میخواهند از شر جمهوری اسلامی رها بشوند و پیروزی در این مبارزه در گرو ایفای نقش رهبری کننده طبقه کارگر است.

در شرایط پر جنب و جوش و سرنوشت سازی که جامعه از سر میگذراند اتحاد و تحزب طبقه کارگر برای قرار گرفتن در راس انقلابی که در ایران شکل میگیرد مطلقاً حیاتی و تعیین کننده است. باید با سلاح نقد ریشه ای سرمایه داری و حکومت اسلامی اش در همه زمینه ها بمیدان آمد و جامعه پیاخته را تا زیر کشیدن جمهوری اسلامی و در هم کوبیدن نظم ضد انسانی سرمایه داری رهبری کرد و به پیروزی رساند. برای پیشبرد این امر خطیر همه کارگران را به پیوستن به صفوف حزب خود، حزب کمونیست کارگری، فرامیخوانم!

بار دیگر روز جهانی کارگر را به کارگران و به توده مردمی که رهائیشان در گرو پیوستن به صف مبارزه طبقه کارگر برای رفاه و آزادی و سوسیالیسم است، تبریک میگویم!

حمید تقوایی

۶ اردیبهشت ۱۳۹۷، ۲۶

آوریل ۲۰۱۸

## پیام به مناسبت روز جهانی کارگر

شهلا دانشفر

اول مه روز همبستگی جهانی کارگران، روز کیفرخواست علیه سرمایه داری و همه مصائب آنست. روز اعتراض علیه فقر و تبعیض و نابرابری است. اول مه روز همه کسانی است که میخواهند، ستم نباشد، استثمار نباشد، تبعیض علیه زن نباشد، فقر نباشد و خواهان آزادی و برابری و زندگی ای انسانی هستند. ویژگی اول ماه امسال در ایران، شرایطی است که به استقبال آن میرویم.

بدنبال خیزش انقلابی مردم در دیماه علیه کل بساط توحش و بردگی حکومت اسلامی، امسال در آستانه اول ماه مه چهره جنبش کارگری و کل جامعه متفاوت است. جنبش اعتراضی کارگری که خود فاکتور مهمی در کشیده شدن اوضاع به چنین شرایطی بوده است، امروز متأثر از فضای پر تحرک جامعه رنگ و روی دیگری بخود گرفته است.

در این اعتراضات کارگران علیه دستمزدهای چند بار زیر خط با پرچم خواست حداقل دستمزد ۵ میلیون و برچیده شدن حقوقهای نجومی، به میدان آمده اند. فریادشان به زندگی زیر خط فقر بلند است و حرفشان اینست که دیگر به این بساط بردگی، و نه تنها این، بلکه به این تبعیض آشکار طبقاتی تن نخواهند داد و با شعارهایشان بطور واقعی سوسیالیسم و جامعه ای انسانی را فریاد میزنند.

در این اعتراضات کارگر بخاطر دستمزدهای به سرقت رفته اش به خیابان می آید، اما اعتراضش به کل بساط دزدسالاری حاکم است و در مقابل وعده و وعید کارفرمایان و مقامات حکومتی خود وارد عمل مستقیم شده و فریادش بلند است و حرفش اینست که اگر توان حکومت کردن ندارید، بروید کنار، ما حق و حقوقمان را میخواهیم.

در این اعتراضات کارگران علیه کل بساط سرکوب و جنایت حکومت ایستاده اند و شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد، بیش از هر وقت به شعار خیابانی اعتراضات کارگری و کل جامعه تبدیل شده است و کارگران از رهبران و سخنگویان مبارزانشان جانانه دفاع میکنند.

بسیاری از اعتراضات کارگری با فراخوان های از قبل اعلام شده شکل گرفته و سراسری است.

اعتراضات کارگری در عین حال گسترده است و فضای شهرها را به تحرک در آورده است. نمونه های بارز آن مارش با شکوه کارگران در چند ماه اخیر در کارخانجاتی چون گروه ملی فولاد اهواز، هپکو و هفت تپه است.

این اعتراضات، آنهم در فضای بعد از خیزش انقلابی مردم در دیماه و در بستر پر تپش جامعه بستر مناسبی برای رفتن بسوی اعتصابات سراسری کارگری را فراهم کرده و انعکاشش را در بیانیتهای کارگران به مناسبت روز جهانی کارگر و فراخوانهای کارگران به اعتراضات سراسری برای رهائی از شرایط جهنمی حاکم به روشنی میتوان دید. نتیجه تبعی چنین شرایطی است که با موجی از اعتصابات عمومی در شهرهای کردستان و مناطق مرزی غرب کشور در روزهای اخیر روبرو هستیم.

در عین حال در کنار جنبش توفنده کارگری، به میدان آمدن دختران انقلاب را شاهدیم. دخترانی که با سر چوب کردن حجابهایشان کل بساط آپارتاید جنسی حکومت اسلامی را به چالش کشیده و به جنبش انقلابی مردم عمق بیشتری بخشیدند. بعلاوه عرصه های نبرد مردم با حکومت اسلامی به گستردگی تمام مصائبی است که بر سر جامعه آمده است و بخش های

مختلف مردم بر سر زندگی و معاش هر روزه شان در جدال با این حکومتند. از جمله دانشگاهها پر از اعتراض و مبارزه است و اعتراض دانشجویان به کالایی شدن آموزش و محرومیت های معیشتی شان است. مالباختگان، کسانی که اندوخته های کوچکشان به یغما رفته است، هر روز به خیابان آمده و علیه کل حاکمیت و بساط دزد سالارش شعار داده و پولهای به سرقت رفته شان را طلب میکنند. کشاورزان که قربانی سیاستهای تخریبی زیست محیطی حکومتی و فقر و فلاکت حاکم بر کل جامعه هستند، اعتراضات گسترده ای داشته و فضای شهرهایی چون اصفهان را به تحرک در آورده اند. در خوزستان نیز در همین دو ماهه اخیر شاهد اعتراضات گسترده مردم علیه تبلیغات تفرقه گرایانه قومی حکومتی و فقر و فلاکت و بیکاری بوده ایم.

در برابر وضعیت اعتراضی جامعه، استیصال حکومت را هم به روشنی میتوان مشاهده کرد. جنگ و جدال جناحها بیش از هر وقت بالا گرفته و خودشان نیز میدانند که رفتنی هستند و پایان کارشان فرا رسیده است. این را حتی در نزاعهایشان به زبان می آورند.

از همین رو شرایط امسال در آستانه اول ماه مه، روز جهانی کارگر، ویژه است. روزی که بنا به تعریف بهترین فرصت برای اعتراض سراسری کارگران و همه بخش های معترض جامعه است.

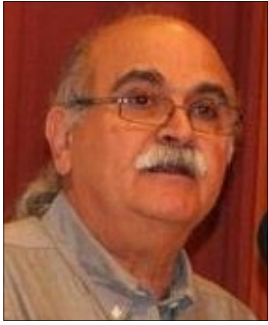
اول مه بهترین فرصت است با بیانیتهای همیمان به مناسبت این روز کیفرخواست خود را علیه کل توحش سرمایه داری حاکم اعلام کنیم.

اول مه روز قدرتمندی سراسری کارگران و بسیج کل جامعه است. به استقبالش برویم و این روز را هر چه باشکوهتر برگزار کنیم.

**به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید**

## گذشته و آینده برجام

مصاحبه تلویزیونی کانال جدید با حمید تقوایی



عدم برجام نیست. فقر و فلاکت و بیحقوقی و سرکوب و محرومیتی است که جمهوری اسلامی بر کل جامعه تحمیل کرده است.

مردم از دی ماه با شعار جمهوری اسلامی نمیخواهیم به خیابانها آمده اند. و امروز این حرکت است که بر مناسبات بین جناحهای حکومت و حتی روابط جمهوری اسلامی با غرب و آمریکا و در منطقه تاثیر میگذارد. یعنی قضیه برعکس شده است. امروز ابتکار عمل و عنصر تعیین کننده در عرصه سیاست ایران حرکات اعتراضی مردم است و نه توافقاتی نظیر برجام و کلا مناسبات بین "بالائی" ها. روابط با دولت ها، سیاست خارجی و سیاستهای منطقه ای جمهوری اسلامی کاملاً تحت تاثیر جنبش سرنگونی طلبانه ای است که در ایران آغاز شده. امروز گفتمان سرنگونی رژیم نه تنها در جامعه و در میان توده مردم يك امر رایج و هر روزه است، بلکه به موضوع بحث و کشمکش در میان حکومتی ها تبدیل شده است. مقامات حکومتی سقوط قریب الوقوع نظامشان را پیش بینی میکنند و آشکارا به هراس افتاده اند.

برجام هر سرنوشتی پیدا کند این فضای سیاسی و روند اعتراضات توده ای ادامه خواهد داشت. مردم با مصائب ومسائل ریشه ای دست بگریبان هستند و بدست تشخیص داده اند جمهوری اسلامی عامل و باعث و بانی آن است. مردم شعار میدهند "دشمن ما همین جاست دروغ میگویند آمریکاست". همین شعار کافی است تا نشان دهد که رابطه جمهوری اسلامی با آمریکا، با

و یا بدون برجام، تاثیری بر سیر مبارزات مردم نخواهد داشت و سرنوشت برجام هر چه باشد، مردم به مبارزاتشان برای خلاصی از شر جمهوری اسلامی ادامه خواهند داد.

اثر تهدیدات ترامپ و فشارهایی که اعمال کرده است کشورهای اروپایی بدنبال آن هستند که جمهوری اسلامی را به وارد کردن تغییراتی در توافق برجام راضی کنند تا به این ترتیب کل قرارداد را بتوان حفظ کرد.

**نگار سروعلی‌شاهی:** تاثیر لغو و یا ادامه برجام بر زندگی مردم ایران چه خواهد بود؟

**حمید تقوایی:** ما همیشه با تحریمهای اقتصادی بخاطر آنکه به کمیابی و گرانی مایحتاج مردم، مواد غذایی و دارویی و کلا نیازهای اولیه توده مردم، منجر میشود، مخالف بوده ایم. در واقع این مردم بودند که هزینه پروژه هسته ای جمهوری اسلامی را می پرداختند. از این نظر لغو تحریمها و توقف پروژه هسته ای به نفع مردم است و فشارهای اقتصادی و معیشتی بر زندگی توده مردم را کاهش میدهد. ولی از جنبه ای که حکومت خواهان حفظ برجام است، یعنی تعامل با غرب و گسترش سرمایه گذارها و غیره، برجام فرق چندانی در زندگی مردم ایجاد نخواهد کرد. تحریمها هم تا آنجا که به تحریم نظامی حکومت برمیگردد، به نفع مردم است. از نظر اهداف اقتصادی که جمهوری اسلامی دنبال میکند حتی اگر فرض کنید برجام کاملاً عملی بشود این به معنای پیاده کردن کامل تر و شدیدتر ریاضت کشی اقتصادی خواهد بود. جمهوری اسلامی برای آنکه بتواند سرمایه گذاری در ایران را تشویق کند و بتواند در بازار جهانی رقابت کند باید بیشتر تسمه از گرده کارگران بکشد و از این نقطه نظر برجام حتی اگر به گشایش اقتصادی مورد نظر حکومت منجر بشود "گشایش" ای برای کارگران و توده محروم جامعه در بر نخواهد داشت.

**نگار سروعلی‌شاهی:** آیا سرنوشت برجام بر مبارزات جاری مردم علیه جمهوری اسلامی تاثیری خواهد داشت؟

**حمید تقوایی:** ریشه ها و علل نارضائیتها و مبارزات مردم برجام یا

میشوند. جمهوری اسلامی در بلوک روسیه در منطقه قرار دارد و چین هم از این بلوک حمایت میکنند. فعالیتهای جمهوری اسلامی در سوریه، در عراق، در یمن و غیره همه مورد حمایت روسیه و چین هم هست. برای این دو کشور امضای قرارداد برجام این کاربرد را داشت که جمهوری اسلامی را از خطر حمله نظامی و فشارهای اقتصادی غرب رها میکرد، اما جمهوری اسلامی همچنان در چهارچوب بلوک روسیه-چین باقی میماند. بنابراین هدف این بلوک صرفاً اقتصادی نیست و به دلایل سیاسی خواهان حفظ برجام است.

از نظر کشورهای اروپایی امضا کننده برجام یعنی فرانسه و انگلیس و آلمان موضوع اساساً از نظر اقتصادی اهمیت دارد. هدف اصلی آنها گسترش روابط اقتصادی و سرمایه گذارها در ایران بود و تا حدی هم این امر عملی شده است. از نظر سیاسی آن موقعیتی که آمریکا در دوره جنگ سرد و در مقطع حمله به عراق در منطقه داشت و اکنون از دست داده است برای کشورهای اروپایی مطرح نیست. کشورهای اروپایی نه قبلاً چنین موقعیتی در منطقه داشته اند و نه امروز در پی آن هستند. حمله دولت آمریکا به عراق با این هدف بود که بعد از جنگ سرد در منطقه تفوق و هژمونی اش را تثبیت کند و بعنوان ژاندارم منطقه عمل کند. نه تنها این اتفاق نیفتاد بلکه برعکس موقعیت آمریکا در منطقه هر روز ضعیف تر و ضعیف تر شد. و امروز فعالیتهای بلوک روسیه و جمهوری اسلامی در منطقه به معنی از دست رفتن موقعیت هژمونیک آمریکا است. این امر برای دول اروپایی بعنوان هم پیمانان آمریکا در برابر روسیه و چین مهم است ولی نه تا آن حد که بخاطر آن برجام را لغو کنند. برای آنها چندین مهم نیست که تا چه حد برجام فعالیتهای سیاسی- نظامی جمهوری اسلامی در منطقه را محدود میکند. و از این نقطه نظر خواهان حفظ برجام هستند. البته در

خودش نخواهد رسید؟

**حمید تقوایی:** ترامپ و دولت او برجام را فراتر از آنچه در خود قرار داد طرح و امضا شده می بینند. ترامپ در کمپین انتخاباتی اش اعلام کرد برجام بدترین قراردادی است که دولت آمریکا امضا کرده است و آن را پاره خواهد کرد. اما بعد از بقدرت رسیدن هنوز از این توافقنامه خارج نشده است. مساله هر چند ماه بکار روی میز کنگره آمریکا قرار میگیرد و همانطور که اشاره کردید فرارست حدود دوهفته دیگر نیز مجدداً مساله را بررسی کنند.

اعتراض و نقد ترامپ اینست که جمهوری اسلامی به "روح" قرار داد پایبند نبوده است. یعنی گرچه پروژه هسته ای را متوقف کرده ولی فعالیتهای نظامی و موشک پرانی هایش در منطقه و کلا حمایت اش از نیروهای تروریستی متوقف نشده است و این به زیان غرب است. ترامپ میخواهد قرارداد به نحوی ترمیم بشود و یا تغییر پیدا کند که فعالیتهای نظامی و موشکی و تروریستی جمهوری اسلامی در منطقه نظیر فعالیتهایش در سوریه، در یمن و حمایتش از حزب الله لبنان و غیره متوقف یا لااقل محدود بشود. این نکات هیچیک در برجام ذکر نشده چون همانطور که اشاره کردم هدف کشورهای امضا کننده صرفاً متوقف کردن پروژه هسته ای جمهوری اسلامی بود. اما به نظر ترامپ این کافی نیست. او معتقدست "روح" برجام محدود کردن فعالیتهای تروریستی و سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی در منطقه است و این اتفاق نیفتاده است.

**نگار سروعلی‌شاهی:** علیرغم موضع ترامپ دیگر کشورهایی که برجام را امضا کرده اند خواهان حفظ این قرارداد هستند. چرا؟ آیا موضوع صرفاً اقتصادی است؟

**حمید تقوایی:** کشورهای امضا کننده دیگر قرار داد را میشود به دو دسته تقسیم کرد. یک گروه چین و روسیه است که از نظر سیاسی متحد و حامی جمهوری اسلامی محسوب

**نگار سروعلی‌شاهی:** دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا هشدار داده است که اگر تا ۱۲ مه (برابر با ۲۲ اردیبهشت ماه) تغییرات مورد نظر او در توافق هسته ای ملحوظ نشود آمریکا از این توافق خارج خواهد شد. کشورهای اروپایی به همراه چین و روسیه و سازمان ملل مخالف خروج دولت آمریکا از برجام هستند. آینده برجام چه خواهد شد؟ و تاثیرات آن بر شرایط سیاسی ایران چیست؟ در این مورد با حمید تقوایی گفتگو میکنیم.

اولین سؤال اینست که توافق برجام بر سر چه بوده است و طرفین چه اهدافی را دنبال میکنند؟

**حمید تقوایی:** روشن است که برجام از نقطه نظر جمهوری اسلامی راهی بود برای نجات خودش از بحران عمیق و در واقع باید گفت بن بست و فروپاشی اقتصادی. جمهوری اسلامی میخواست با امضای این توافقنامه اولاً، تحریمها برداشته بشود و ثانیاً، راه باز بشود برای سرمایه گذارهای خارجی در ایران مگر به این ترتیب فرجی حاصل بشود و اقتصاد به گل نشست، یا جمهوری اسلامی بحرکت بیافتد، یا بالاخره وضع بهتری پیدا کند.

از جانب غرب و دیگر کشورهای طرف مقابل این قرارداد، برجام توافقی بود برای متوقف کردن پروژه هسته ای جمهوری اسلامی. بعد از امضای برجام پروژه هسته ای متوقف شد و این کشورها به هدف خود رسیدند. البته کشورها غربی امضا کننده قرارداد اهداف دراز مدت تری هم، نظیر تضعیف مواضع ضد آمریکائی و غریب سازی جمهوری اسلامی، و راندن آن به چارچوب سیاستهای دولت آمریکا و هم پیمانانش در منطقه را مد نظر داشتند. گرچه رسماً قرار داد بر سر رفع تحریمها به ازای توقف پروژه هسته ای است، ولی غرب امیدوار بود توافق بر سر برجام عملاً راه را برای تحقق اهداف دیگر نیز باز کند.

**نگار سروعلی‌شاهی:** چرا ترامپ میخواهد از برجام خارج بشود؟ آیا بر این تصور است که با برجام به اهداف

## برجام: کلاهی بر سر آمریکا و جمهوری اسلامی

کاظم نیکخواه



مردم منفور است و آنچه آنچنان دچار تشتست درونی است و فضای جامعه آنچنان تعرضی است که هیچ چیز نمیتواند مانع سرنگونی آن توسط انقلاب مردم شود. طبعا عوامل منفی میتوانند سرنگونی حکومت را چند صباحی عقب بیندازند اما نمیتوانند مانع آن شوند. فضای مساعد بین المللی نیز میتواند سرنگونی حکومت را نزدیک تر کند اما کمکی به بازی مجاهد و سلطنت طلبان و امثالهم نخواهد کرد. این حکم طبعا با فرض دخالت و هوشیاری مردم و بویژه رهبران رادیکال جنبش های اجتماعی و همچنین حضور و دخالت فعال حزبی مثل حزب کمونیست کارگری در اوضاع سیاسی ایران صادق است. کارگران و جوانان و زنان و کلا بخشهای سرنگونی طلب مردم ایران با تجربه سالها کشاکش با جمهوری اسلامی آگاهی و هوشیاری زیادی کسب کرده اند و همه چیز گویای اینست که مصممند خود را از شر جمهوری اسلامی خلاص کنند. این فضای سیاسی فعال و آگاهانه هم سرنگونی جمهوری اسلامی در آینده ای نه چندان دور را بسیار محتمل میسازد و هم بدرجه زیادی مانع بازی و توطئه های نیروها و دولتهای ارتجاعی علیه انقلاب مردم خواهد بود.

طلب که تنها امیدش به قدرت رسیدن از طریق دولتهای خارجی است، با ایجاد فضای جنگی شانسی کمتری برای بازی در سیاست ایران پیدا میکند. اینها همیشه تبلیغ کرده اند که اگر به جمهوری اسلامی حمله نظامی شود کنار این حکومت خواهند ایستاد. و اکنون نیز ناچارند در برابر حکومت اسلامی دچار سرگیجه شوند و مدام آمریکا را به خویشترنداری دعوت کنند.

همه اینها سیاست دولت ترامپ در ایجاد فضای کشاکش و سرشاخ شدن با جمهوری اسلامی را به سیاستی بی موقع تبدیل میکند. بحث طبعا بر سر کشاکش نظامی است. نه فقط شروع یک جنگ گسترده که احتمال آن کمتر است، بلکه حتی "شیخ جنگ" در شرایط کنونی منفی است. اما فشار دیپلماتیک و سیاسی بر حکومت اسلامی توسط همه دولتها میتواند به نفع مردم و به زیان حکومت اسلامی تمام شود و باید دولتها را زیر فشار قرار داد که از ماشاات با حکومت اسلامی دست بکشند و کمک کنند که این حکومت از مجامع بین المللی اخراج شود و هرچه بیشتر منزوی و طرد شود.

آینده حکومت اسلامی نکته مهم اینست که هیچکدام از این عوامل کمکی به نجات جمهوری اسلامی نخواهد کرد. این حکومت آنچنان از نظر اقتصادی ورشکسته است، و آنچنان در میان

اقتصادی با جمهوری اسلامی داشته باشد تا بتواند تحریکات و توطئه های حکومت اسلامی در سوریه و عراق را عقب براند.

از این نظر نیز دولت آمریکا کارتهای زیادی برای بازی در اختیار ندارد. وارد شدن از روزنه برجام به مساله سوریه و عراق، باعث میشود که برای بسیج متحدان بین المللی با مشکلات بیشتری مواجه شود.

دولت ترامپ برای موفقیت در سیاست ضد ضد جمهوری اسلامی خود احتمالا روی اوضاع داخلی ایران حساب باز کرده است. مردم ایران بشدت از حکومت اسلامی متنفرند و فضای اعتراضی در جامعه گویای یک خیزش محتمل در آینده نزدیک است. ماشاات با چنین حکومتی که در داخل و خارج منفور است برای هیچ دولت خارجی جالب نیست. اپوزیسیون راست حکومت مثل سلطنت طلبان و مجاهد نیز مدام با لابی گری این فضا را دامن میزنند که گویا آنها در آستانه قدرت گیری هستند و کشاکش نظامی آمریکا با حکومت اسلامی به این امر کمک میکند. این فضای سیاسی جمهوری اسلامی و همچنین وضعیت داخلی دولت ترامپ که به بحران سازی خارجی نیاز دارد، ترامپ را به سوی تخاصم آشکارتر با حکومت اسلامی تحریک میکند. اما این تخاصمات و بویژه سایه کشاکش نظامی با حکومت اسلامی پیش از آنکه به زیان حکومت اسلامی باشد، به زیان مردمی است که دست به کار سرنگونی حکومت شده اند.

ترددی نیست که فشار دیپلماتیک دولتها بر حکومت اسلامی میتواند وضعیت جمهوری اسلامی را شکننده تر کند و بعنوان یک عامل مثبت در اوضاع سیاسی ایران عمل کند. اما سایه کشاکش نظامی به زیان مردم عمل میکند. جمهوری اسلامی میتواند به بهانه "خطر جنگ" فضای جامعه را غبار آلود کند و تبلیغات راه بیندازد و مردم را مورد تعرض بیشتری قرار دهد. حتی اپوزیسیون راست سلطنت

ایران چراغ سبز گرفتند. اتحادیه اروپا نیز به نوبه خود این امکان را بدست آورد که با کنار رفتن تحریمها دوباره فعالانه وارد بازار ایران شود. بنابراین برجام تا آنجا که کاری انجام داد این بود که قانونا راه را برای ادامه سرمایه گذاری چین و روسیه و اروپا در ایران و همچنین نفوذ دیپلماتیک آنها در ایران هموار کرد. تا آنجا که به جنبه اقتصادی مربوط میشود، البته نباید بهیچوجه محدودیتهای سرمایه گذاری در ایران تحت حکومت اسلامی را نادیده گرفت.

مشکل اقتصاد جمهوری اسلامی و مساله سرمایه گذاری خارجی و داخلی فقط جنبه حقوقی و قانونی مساله نیست. مشکلات سرمایه گذاری در ایران عمیق تر از باز شدن راه قانونی است. بی آیندگی جمهوری اسلامی، یکبه تازی باندهای دزد و مافیائی دولتی، قوانین و سیستم اسلامی دست و پاگیر که تفسیر و تعبیر آن در دست چند آیت الله و مرجع تقلید است، اینها و برخی عوامل دیگر موانع جدی ای برای سرمایه گذاری خارجی در ایران بوده و همین باعث شده است که اقتصاد جمهوری اسلامی فلج و زمین گیر شود و زمین گیر بماند.

مساله ترامپ اکنون دولت ترامپ با لغو برجام میخواید ابتکار عمل در رابطه بین المللی جمهوری اسلامی را مجددا به دست دولت آمریکا بازگرداند. بطور واقعی مساله ترامپ دیگر برجام نیست، بلکه نیاز به سرشاخ شدن با جمهوری اسلامی است. ترامپ برای منحرف کردن اذهان از وضعیت داخلی لرزان خود نیاز به یک دشمن منفور خارجی دارد. هیچکس از این نظر مناسب تر از جمهوری اسلامی نیست. این حکومت به دلیل سیاستهای بین المللی و حمایتش از تروریسم اسلامی در افکار عمومی مردم جهان بشدت مطرود و منفور است. بعلاوه و مهمتر اینکه ترامپ میخواید بهانه ای محکم تر برای مقابله نظامی و دیپلماتیک و

برجام پدیده جالبی است. رهبر جمهوری اسلامی ادعا میکند که برجام کلاهی است که بر سر حکومت اسلامی رفته است. دولت آمریکا هم ادعا میکند که برجام کلاهی است که بر سر دولت آمریکا رفته است. سوال اینست که این کلاه را چه کسی بر سر این دو گذاشته؟ قاعدتا طرفهای دیگری اروپا و روسیه و چین کلاه را بر سر دو طرف گذاشته اند. بنظر مضحك میرسد که چند دولت که در ماجرا حاشیه ای تر بودند مثل اتحادیه اروپا و روسیه و چین بر سر دو طرف اصلی کلاه گذاشته اند. اما بطور واقعی این ادعا چندان بیبراه نیست. حقیقت اینست که آمریکا قدرت اصلی در به سه کنج راندن جمهوری اسلامی و عقب نشینی اتمی آن بود، اما برنده اصلی آن نبود. زیرا مساله اصلی و پایه ای دولت آمریکا صرفا عقب نشینی اتمی جمهوری اسلامی نبود، بلکه عقب راندن جمهوری اسلامی از سیاستهای ضد آمریکائی گری و باز شدن راه برای ورود آمریکا به عرصه دیپلماسی و اقتصاد ایران بود. دولت آمریکا میخواست که علاوه بر بدست آوردن چشم انداز بازگشت به صحنه سیاسی ایران، در آینده ای دورتر از خوان غمی اقتصادی در ایران نیز سهمی را شاید نصیب سرمایه داران آمریکایی کند. اما دولت آمریکا علیرغم نقش اصلی در ماجرای برجام هیچکدام از این دو را بدست نیاورد.

روشن است که برجام شکست و عقب نشینی تحقیر آمیزی برای جمهوری اسلامی بود. در این تردیدی نیست. تلاش و تقلائی مخفیانه چندین ساله جمهوری اسلام برای دستیابی به سلاح اتمی باد هوا شد و شکست خورد و این حکومت ناچار شد با خفت راکتورهای اتمیش را با سیمان پر کند و به این شکل غلط قدم بگوید. این یک سرشکستگی جدی برای حکومت اسلامی بود. اما برنده چه کسی بود؟ روسیه و چین برنده اصلی برجام بودند که برای ادامه صادرات و واردات به

**آدرس تماس و ارتباط با حزب کمونیست کارگری ایران**

تلگرام، واتس آپ، ایمو

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

commit-

tee.sazmandeh.wpi@gmail.com

@Sazmande

تلگرام

## کمونیسم، جنبشی برای بازگرداندن اختیار به انسان!

محسن ابراهیمی



تصویری میدهد:

"تنها زمانی که فرد واقعی انسان، شهروند انتزاعی را به خود بازگرداند و به عنوان فرد انسان، در زندگی روزمره، در کار فردی اش، و در وضعیت ویژه اش، به موجود نوعی مبدل گردد؛ تنها زمانی که انسان تواناییهای فردی اش را به عنوان تواناییهای اجتماعی درک کرده و سازمان دهد و بنابراین، تواناییهای اجتماعی را در قالب قدرت سیاسی (دولت) از خویش جدا نکند؛ تنها در آن زمان است که رهایی انسان متحقق خواهد شد." (تأکیدات از این متن است)

ظاهرا اینجا وزن مارکس اومانیزست در مقابل مارکس کمونیست، مارکس نوعدوست در مقابل مارکسی که با نقد طبقاتی از نظام موجود به نفی طبقات به عنوان شرط پایه ای یک جامعه رها میرسد سنگینی میکند! یا حد اقل میتوان گفت این تصویر کسانی که آثار اولیه مارکس را از مانیفست کمونیست و کاپیتال و کلا آثار بعدی مارکس جدا میکنند. اما بنیادهای نظری نقد تیز طبقاتی مارکس را که بعدا در آثار ماندگارش مثل کاپیتال با تمرکز بر نقد اقتصاد سیاسی شکل همه جانبه تر و منسجم تری به خود گرفت را در همین آثار اولیه اش میتوان ریشه یابی کرد.

مارکس اینجا تصویرش از آزادی انسان را از طریق پاسخ دادن به سئوالی ارائه میکند که فلاسفه قبل از او تقریباً بدون استثنا به آن پرداخته اند: سئوال مربوط به رابطه فرد و جامعه. با این تفاوت که اغلب فلاسفه پیشین، از بحث آزادی فردی به آزادی نوع انسان نمیرسند در حالیکه برای مارکس آزادی فردی در هماهنگی با آزادی همه افراد،

آزادی این رقبا در استخراج ارزش اضافه از کار میلیونها افراد دیگر به نام کارگر است. به نام آزادی فردی، افراد در مقابل همگان، در مقابل جامعه قرار میگیرند. آزادی فردی بورژوا منوط و مشروط به بی اختیاری فردی کارگر، بی اختیاری بخش اکثریت جامعه است؛ بی اختیاری این اکثریت، این افراد انسانی در مقابل ثروت اجتماعی ای که خودشان تولید میکنند.

جامعه سرمایه داری، این بی اختیاری اکثریت عظیم را در ابعاد و جلوه های متنوع تولید و بازتولید میکند. دولت، مظهر سیاسی این بی اختیاری است و در خدمت تداوم آن. انواع ایدئولوژیها، از مذهب گرفته تا ناسیونالیسم و فاشیسم و راسیسم، مظاهر ایدئولوژیک این بی اختیاری هستند و در خدمت تثبیت و تدام آن. آموزش و آکادمیها و مدارس ابزارهای فرهنگی این بی اختیاری هستند و بازم در خدمت تثبیت و تداوم آن.

هر چقدر تمدن پیش میرود، توحش علیه بشر قدرتمندتر و وسیعتر و پیچیده تر میشود. هر چقدر امکانات تکنیکی و مادی بشر برای مهار طبیعت قوی تر میشود همانقدر نیروی تخریب طبیعت علیه بشر قدرتمند تر میشود و انسان در مقابل آن بی اختیارتر میشود. (فاجعه چرنوبیل و یوکوشیما فقط دو مثال نمونه وار هستند.)

اگر جهان سرمایه داری، جهان بیگانگی انسان است، کمونیسم رفع این بیگانگی است. اگر جهان سرمایه داری، جهان بی اختیاری انسان به طور کلی و بی اختیاری مطلق اکثریت عظیم جامعه است؛ کمونیسم بازگرداندن اختیار به انسان است. اگر جهان سرمایه داری وارونه است، کمونیسم رفع این وارونگی است.

در جایی از مقاله "در باره مسئله یهود"، مارکس از معنای آزادی کامل افراد انسانی و همچنین شرایط تحقق این آزادی چنین

سیاسی اش - که تماماً در مقابل رهایی همه انسانها هستند - "مقوله" های انسان و انسانیت و رهایی انسانها را بالا کشیده و خود را نماینده کل انسانها و بشریت جا میزنند!

چپ کلیشه ای مثل همیشه اینجا هم شیپور را از سرگشادش میزند. با تکرار کلیشه ای "انسان یک مقوله بورژوایی است"، عملاً به دام حقه بازی سیاسی و تاریخی سرمایه داری می افتد.

گیر این چپ، هم سیاسی، و هم تئوریک است. حمید تقوایی در مقاله ای تحت عنوان "سوسیالیسم عین انسانیت است"، به وجوه مختلف هر دو جنبه بالا پرداخته است. خواندن این مقاله ارزنده را به همه کسانی که مشغله شان رهایی طبقه کارگر و استقرار جامعه ای است که در آن آزادی و اختیار به انسان بازگردد توصیه میکنم.

اگرچه مطلب حاضر بخشی از یک مقاله مفصل است اما به اعتبار خود قابل انتشار است. ضمناً این مطلب عیناً و بدون هیچ اصلاح یا تغییری منتشر میشود. امیدوارم برای تکمیل این مقاله فرصتی فراهم شود و بتوانم وجوهی را که از نظر من هم لازم به، و هم قابل بسط هستند باز کنم.

محسن ابراهیمی

۱۹ آوریل ۲۰۱۸

### کمونیسم، جنبشی برای بازگرداندن اختیار به انسان!

"کل آزادی عبارت است از بازگرداندن جهان انسان و روابط انسان به خود انسان." مارکس، در باره مسئله یهود، ص ۴۲

"اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگردان اختیار به انسان است." منصور حکمت (۳)

تا اینجا دیدیم که آزادی فردی مورد نظر بورژوا، آزادی افراد بورژوا در رقابت با همدیگر و مهمتر از آن

**مقدمه:** مطلبی که پیش رو دارید بخشی از سلسله مقاله های ناتمام تحت عنوان "مارکس و آزادی" به قلم این نویسنده است که ۸ سال پیش در دو شماره "کمونیسم کارگری"، نشریه تئوریک - سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران منتشر شد.

انگیزه انتشار مجدد این بخش در شرایط کنونی این است که در مقابل برخورد کلیشه ای چپ سنتی به جایگاه انسان و انسانیت، مشخصاً بر جایگاه برجسته و محوری رهایی همه انسانها در تبیین مارکس و از نقش رهاییبخش طبقه کارگر و کمونیسم در این ابعاد تأکید شود.

در چهارچوب برخورد کلیشه ای چپ سنتی به مبارزه طبقاتی، انسان و انسانیت مقوله های بورژوایی هستند. در چهارچوب فکری این چپ، چون انسان در نظام طبقاتی بنا بر موقعیت اقتصادی عضو از این یا آن طبقه است، پس تداعی کردن حکومت کارگری و انقلاب کارگری با محتوایی انسانی سازش با سرمایه داری است!

موضوع تماماً برعکس است. این سرمایه داری است که در عین پایمال کردن حقوق انسانی، خود را نماینده انسانیت، و جنبش ضد کارگری و ضد انسانیش را، جنبشی برای آزادی افراد و انسانها جا زده است. انسان و انسانیت مقوله های بورژوایی نیستند. تقسیم طبقاتی انسانها، بیگانه کردن انسان از هویت انسانیش، کارکرد بنیادی نظام طبقاتی سرمایه داری است. طبقه کارگر بنا بر موقعیتش در اقتصاد سیاسی سرمایه داری، هم ستمبل و محمل اصلی این بیگانگی است و هم تنها نیرویی است که میتواند خود و به تبع آن کل بشریت را از این بیگانگی نجات دهد و اختیار و آزادی را به انسان و به جامعه و بشریت بازگرداند.

چپ مورد بحث قادر نیست درک کند که طبقه سرمایه دار و ایدئولوگها و صاحبانظران فکری و

همگان، نوع انسان معنا دارد. در تصویر مارکس، فرد نمیتواند آزاد شود اگر همه افراد آزاد نشوند. آزادی انسان کامل نشده است اگر منفعت افراد با منفعت نوع انسان در تناقض باشد؛ اگر قدرت سیاسی تحت عنوان نماینده جامعه به نیرویی بیگانه از افراد و در مقابل افراد انسانی قرار گیرد. در تصویر مارکس از یک جامعه تماماً رها شده، نه فرد در مقابل جامعه است و نه جامعه در مقابل فرد. نه جامعه به مثابه یک هویت انتزاعی، فرد و نیازها و آرزوها و تواناییهای فرد را به کام خود میکشد و نه فرد به مثابه یک هویت جدا افتاده و در خود خزیده، آزادی خود را در محدودیت افراد دیگر جامعه جستجو میکند. نه جامعه مانع شکوفایی فرد است و نه فرد مانع شکوفایی جامعه یا همگان. فرد در همه جلوه های زندگی اش، خود را فردی از نوع انسان میداند. استعداد و توانایی خود را به مثابه یک موجود نوعی انسانی، در کنار استعداد و توانایی دیگر افراد به مثابه یک موجود نوعی انسانی باز میشناسد و سازمان میدهد.

در فاصله کوتاهی بعد از این مقاله، مارکس در دستنوشته های اقتصادی-فلسفی، در یادداشتی به نام "مالکیت خصوصی و کمونیسم"، مجدداً به موضوع فرد و نوع انسان، جدایی و بیگانگی فرد از نوع انسان، تقابل فرد و نوع انسان، بیگانگی نوعی آدمی از آدمی، بی اختیاری فرد انسانی باز میگردد اما اینبار، کمونیسم را به مثابه راه حل رفع این وضعیت، نفی همه این جلوه های اسارت انسان، راه حل رهایی میداند. کمونیسم اثبات نوع انسان، اثبات تواناییها و پتانسیلها و قدرت انسان است. اثباتی که در عین حال با نفی همه بنیادها و شرایط اسارت انسان امکانپذیر است.

"کمونیسم به عنوان فرارفتن اثباتی از مالکیت خصوصی - از خود بیگانگی آدمی - و در نتیجه به چنگ آوردن واقعی ذات انسان برای خود انسان و توسط خود انسان؛ بنابراین کمونیسم به مشابه بازگشت کامل انسان به خویش‌تن به عنوان موجودی اجتماعی (یعنی انسان) است: بازگشتی که آگاهانه متحقق می‌گردد و تمامی غنای حاصل از توسعه پیشین را در برمیگیرد. این کمونیسم به مثابه ناتورالیسمی کمال یافته، با اومانیسم مترادف است و به مشابه اومانیسمی کمال یافته ناتورالیسم مترادف است؛ کمونیسم راه حل واقعی تعارض میان انسان و طبیعت و میان انسان با انسان است راه حل حقیقی تعارض میان هستی و ذات، میان عینیت یافتگی و تحقق خویش‌تن، میان آزادی و ضرورت، میان فرد و نوع. کمونیسم، حل معمای تاریخ است و خود را به مثابه راه حل این معما میداند" (تاکیدات از مارکس است).

این همچنان تصویر اولیه و ایده آل - نه الزاما ایده آلیستی - مارکس در نوشته های دوره جوانیش از جامعه آزاد کمونیستی است. با این تفاوت که اینجا، مارکس در عین ترسیم خطوط پایه ای يك جامعه کمونیستی یعنی رفع تناقض فرد انسانی با نوع انسان، فرد و جامعه، انسان و طبیعت، و در يك کلام رفع از خود بیگانگی فراتر میرود و از شرط پایه ای رسیدن به چنین

تصویری صحبت میکند: فرارفتن اثباتی از مالکیت خصوصی. در مرکز این فراروی، نفی مالکیت خصوصی قرار دارد. مالکیت خصوصی ای که بنیاد از خودبیگانگی انسان است. انسان زمانی میتواند به خودش، به وجود انسانی اش باز گردد که بنیاد بیگانگی از خودش، بیگانگی از تواناییهایش، بیگانگی از استعدادهای فردی اش، بیگانگی از قدرت اجتماعی اش را بپراکند و از آن فراتر برود. این بنیاد، مالکیت خصوصی بورژوازی بر وسایل تولید است.

اما هنوز این سئوالات مطرح هستند: آیا با لغو مالکیت خصوصی، الزما تولید در دست اجتماعی از افراد تمرکز خواهد یافت و رشد آزاد فرد شرط رشد آزاد همگان خواهد بود؟ آیا با لغو مالکیت خصوصی، الزما کار مزدی لغو خواهد شد؟ آیا میتوان جامعه ای را تصور کرد که در آن مالکیت خصوصی لغو شده است اما کار مزدی همچنان برقرار است؟ مالکیت خصوصی لغو شده است اما کار همچنان کالا است و خرید و فروش میشود؟

مارکس به عنوان منتقد مناسبات سرمایه داری، در همین رساله به طور ویژه، رابطه کار و سرمایه را در تحلیلش از مالکیت خصوصی بورژوازی برجسته میکند:

"تا زمانی که آنتی تنز میان فقدان مالکیت و مالکیت به مثابه آنتی تنز میان کار و سرمایه درک نشود، هنوز آنتی تنزی خنثی است: آنتی تنزی که در پیوندهای فعالش و روابط درونی اش به عنوان یک تضاد درک نشده است." (تاکیدات از مارکس)

رابطه کار و سرمایه در رکن مالکیت خصوصی بورژوازی قرار دارد. مالکیت خصوصی بر وسایل تولید از یکطرف و خلع مالکیت از بخش اعظم جامعه از طرف دیگر پیش شرط تقسیم جامعه به سرمایه دار و کارگر، پیش شرط تبدیل شدن کار به کالا و در نتیجه امکان استخراج ارزش افزوده است. اما این مناسبات کار و سرمایه است که مالکیت خصوصی بورژوازی را گسترش میدهد و تداوم میدهد. مارکس، در ادامه تضاد میان کار و سرمایه و جایگاه این تضاد در مالکیت خصوصی بورژوازی را برجسته میکند به این صورت که رابطه کار و سرمایه در مالکیت خصوصی بورژوازی است که زمینه و شرایط را برای لغو مالکیت خصوصی در ابعادی وجود می آورد که انحلال این تضاد را ممکن میکند. یعنی شرایطی که نه فقط لغو مالکیت خصوصی را امکانپذیر میکند بلکه انحلال کامل تضاد میان کار و سرمایه را هم ممکن میکند.

"... کار یعنی ذات

ذهنی مالکیت خصوصی به مثابه نفی مالکیت، و سرمایه یعنی کار عینی به مثابه نفی کار، مالکیت خصوصی را به مثابه حالت پیشرفته تضادشان تشکیل میدهند. بنابراین، رابطه ای پویا در راستای رفع «این تضاد» شکل میگیرد" (داخل

کروشه از من است)

با توجه به این نقد عمیق است که دیگر صرف لغو مالکیت خصوصی و تبدیل آن به مالکیت خصوصی همگانی کافی نیست. با این تحلیل عمیق است که افق فکری مارکس، مرزهای زمان را در می نوردد و گویی از ورای تجربه شکست

خورده شوروی و مالکیت دولتی بر وسایل تولید یعنی همان سرمایه داری دولتی، به نقد سرمایه نشسته است و به ما در باره خطر "مالکیت خصوصی همگانی" هشدار میدهد. کمونیسم، صرفا لغو مالکیت خصوصی نیست. از نظر مارکس، در این نوع کمونیسم، رابطه مالکیت خصوصی "تعمیم" می یابد.

برای چنین کمونیسمی: "تنها هدف زندگی و هستی، تملک مستقیم و فیزیکی است. وظیفه کارگر (یا نقش کارگر) ملغی نمیشود بلکه به همه انسانها بسط داده میشود. مناسبات مالکیت خصوصی به صورت رابطه جامعه با جهان اشیا تداوم می یابد." (یادداشت "مالکیت خصوصی و کمونیسم"، تاکیدات از مارکس)

در این نوع کمونیسم:

"جامعه اساسا جامعه ای است متشکل از کار یا دستمزدهایی یکسان که از طرف سرمایه مشترک جامعه - جامعه به عنوان سرمایه دار عام - پرداخت میشود. هر دو طرف این رابطه به جامعیتی تخیلی ارتقا مییابند: کار به عنوان وضعیتی که در آن هر شخص جایی می یابد و سرمایه به عنوان جامعیتی مورد تایید و در عین حال قدرت حاکم

جامعه." (یادداشت "مالکیت خصوصی و کمونیسم"، صفحه ۱۶۷، تاکیدات از مارکس) با این تحلیل است که لغو کار مزدی به مثابه رکن کمونیسم به مرکز تحلیل مارکس راه پیدا میکند. روشن است که پیش زمینه لغو کار مزدی، لغو مالکیت خصوصی بر وسایل تولید است. اما لغو مالکیت خصوصی، عینا لغو کار مزدی نیست. لغو مالکیت خصوصی باید با لغو کار مزدی تکمیل شود تا بتوان از تبدیل مالکیت خصوصی به مالکیت خصوصی عام، تبدیل جامعه به سرمایه دار عمومی، گسترش کار به کل جامعه، یعنی ارتقا سرمایه داری به سرمایه داری عام مانع شد.

در ادامه این مطلب، به این بحث مهم مفصلتر باز خواهیم گشت.

تورنتو - دسامبر ۲۰۱۱

توضیح:

۳- منصور حکمت، محتوای عمیق انسانی نقد مارکس از نظام کاپیتالیستی را از زیر آوار نسخه های متنوع "کمونیسم" بورژوازی، نسخه هایی که به نام کمونیسم اهداف جنبشهای مختلف طبقات حاکم را پیش برده اند بیرون آورد. این یکی از جلوه های درخشان نقش منصور حکمت در مبارزه برای استقرار زندگی انسانی است. پرداختن مفصل به این نقش منصور حکمت در بحث در باره "مارکس و آزادی" قطعاً جای ویژه ای دارد.

سایت حزب:

www.wpiran.org

نشریه انترناسیونال:

www.anternasional.com



WE STILL NEED **MARX**  
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party of Iran  
www.wpiran.org

## بازتاب هفته

(زیر نظر کاظم نیکخواه)

### مرتضوی در مازندران دستگیر شد

رد پای مرتضوی را در سواحل گیلان و مازندران پیدا کردند و شروع به افشاکاری در مورد او کردند. نماینده گیلان در مجلس اسلامی به ناچار اعلام کرد که شایعاتی که در مورد پذیرایی از مرتضوی در گیلان پخش شده واقعیت ندارد! بالاخره زیر فشارهای اجتماعی، اوایل این هفته اعلام کردند که سعید مرتضوی هنگامی که در سواحل مازندران "مشغول استراحت بوده"، دستگیر شده و در بند ۲۴۱ زندان اوین نگهداری میشود.

روشن است که مردم همه چیز را میدانند. میدانند که سعید مرتضوی قاتل زهرا کاظمی و فرزند کمانگر و صدها تن دیگر از عزیزان مردم است. بعلاوه او حکم بسته شدن چندین روزنامه منتقد را داده و به اجرا گذاشته است. کارنامه جنایات او بسیار طولانی است. و مردم میدانند که مرتضوی به دستور خامنه‌ای جنایت کرده است. میدانند که خود حکومت نمیتواند شکنجه گران خودش را محاکمه و دادگاهی کند. میدانند که کلا دستگاه قضائی

### کاظم نیکخواه

کابوس سعید مرتضوی برای جمهوری اسلامی تمام بشو نیست. بعد از جنایات کهریزک او را ارتقا مقام دادند تا به مردم معترض پیام دهند که سرجایتان بنشینید. بعد که دیدند فضا علیه حکومت تند تر و خشمگین تر شد، ناچار شدند او را محاکمه کنند اما تیرته اش کردند. بدنبال آن بازهم فشار افکار عمومی و خانواده‌های جانبازگان کهریزک بر جمهوری اسلامی افزایش یافت و ناچار شدند مجدداً او را به دادگاه بکشانند. قبل از اعلام حکم، مرتضوی جلاد با لحنی حق بجانب ناچار شد از مردم و "رهبر" طلب عفو کند. بعد از آن بود که مجدداً محاکمه شد و با چند درجه تخفیف تیرته گردید. اما در تجدید نظر به دو سال و نیم زندان محکوم شد. اما داستان به همینجا ختم نشد. فکر کردند که حکمی میدهند و بعد او را مخفی میکنند. همین هفته گذشته اعلام کردند که سعید گم شده است و پیدایش نمیکند! اما اینهم کمکی به حکومت نکرد. فوراً مردم

### عرض "گشت ارشاد" به یکی از زنان

#### هوشیار سروش

منگنه جدی ای قرار داده و حتی باعث عمیق تر شدن شکاف در صفوف حکومتیان شده است. همین تعرض اخیر نیروهای گشت ارشاد جمهوری اسلامی به دختر معترض، حاکمان و مسوولین ریزو درشت آنرا مجبور کرد که در باره این عمل خشونت آمیز و دون شان انسان به تناقض گویی بیفتند.

ظاهراً فضلی وزیرکشور دولت روحانی خواهان ارسال یک گزارش از این رویداد شده است و همچنین معصومه ابتکار یکی دیگر از مسوولان دولت روحانی این عمل غیرقانونی را محکوم و مغایر امنیت و نظم عمومی قلمداد کرده است. همچنین مولودری هم که از مسوولان دولتی و نزدیک به نخست وزیر است این عمل خشونت آمیز را

غیر قابل دفاع و پذیرش میدانند. اینها همانها هستند که سالهای سال خشونت دولتی علیه زنان را شاهد بودند و یک کلمه علیه آن سخنی نگفته بودند. حتی بعضاً خود در این سرکوب نقش داشته اند.

اما از طرف دیگر لاریجانی رییس قوه قضاییه این عمل گروه زنان گشت ارشاد را عین دفاع از قانون دانسته و آنرا بقول او موجب حفظ امنیت و آسایش میدانند و نیروی انتظامی را بازوی امنیت کشور و موظف به انجام وظیفه قلمداد میکنند.

فارغ از اینکه مسوولین و وزیران این دولت و یا آن جناح حکومت نظیر لاریجانی این عمل خشونت بار و غیر انسانی نیروهای گشت ارشاد را چگونه ارزیابی کنند یک چیز

## ماجرای خروج ۳۰ میلیارد دلار ارز

### محمد شکوهی

همسویی با سیاستهای پولی دولت، قیمت عرضه و تقاضا در بازارهای ارز را تعیین می کند. مافیای ارزی حکومت، از نهادهای پولی و دولتی گرفته تا مافیای دم و دستگاہهای اطلاعاتی و امنیتی حکومت، دوضلع قاچاق ارز و بالا بردن قیمت ارزهای خارجی می باشند. تجارت پرسود و درآمد در این بخش جزو ششمین منابع درآمد زای دولت و باندهای حکومتی می باشد.

اثرات و تبعات این سیاست، افزایش گرانی ها بویژه افزایش قیمت کالاهای اساسی مورد نیاز مردم می باشد. دولت و مافیای ارزی حکومت از دو طریق مردم را سرکسیسه می کند. اول از طریق بالا بردن قیمت ارزهای خارجی و دوم از طریق بالا بردن قیمت کالاهای اساسی به بهانه گرانی ارزهای خارجی.

سیاستهای پولی و ارزی دولت و حکومت اثرات و تبعات بسیار ویرانگری بر زندگی مردم و اقتصاد گذاشته است. مافیای ارزی حکومت وابسته به باندهای مختلف حکومتی به توصیه بیت رهبری کنترل بازار ارزهای خارجی را در دست دارند. حکومت دزدان و قاتلان به همراه دولت قاچاقچیان و مافیای ارزی روزانه سوده های صدها میلیاردی بدست آورده و در مقابل زندگی مردم را به فقر و فلاکت و گرانی بیشتر سوق داده اند. در اعتراضات دی ماه مردم بدرست در شعارهایشان بر علیه این سیاستهای ویرانگر حکومت شعار دادند. برای پایان دادن به این وضعیت در قدم اول باید دولت قاچاقچیان و مافیای ارزی، حکومت دزدان و قاتلان را به زیر کشید.

نیست. روشن است که هرچه این مبارزات و تلاشهای عمومی برای کسب آزادی های سیاسی گسترده تر و عمومی تر شود؛ شکاف و اختلاف بین جناح های حاکمیت عمیق تر و عیان تر میشود و درعین حال برنامه های سرکوب شان را با مشکلات و موانع بیشتری مواجه میسازد.

رسانه های حکومتی گزارش داد ه اند که مبلغ ۳۰ میلیارد دلار ارز از کشور خارج شده است. در این گزارشات آمده است: "به بهانه واردات، ۳۰ میلیارد دلار از ایران خارج کردند، اما چیزی وارد نکردند! این مقدار ارز در ماههای پایانی سال ۹۶ از کشور خارج شده است." ۳۰ میلیارد دلار ارز را دولت دزدان و قاچاقچیان ارز در ماههای آخر سال ۹۶، ماههایی که اعتراضات مردم بر علیه حکومت ادامه داشته است، به بهانه واردات کالا از کشور خارج کرده اند. این در واقع مقدمه ای بر فرار بوده است. توجیهاتی که بانک مرکزی و دولت روحانی در این باره داده اند، جالب است. اینها ادعا کرده اند این ۳۰ میلیارد دلار برای "کنترل قیمت ارز در داخل" از کشور خارج شده است.

دولت، بانک مرکزی و شبکه صرافان ارزهای خارجی وابسته به باندهای مختلف حکومتی ضمنی اعتراف کرده اند که ارزهای خارج شده در دوی و بازاراستانبول به فروش رسیده است. اینها ارز دولتی را، بویژه در بازار دوی که منبع اصلی تامین کننده نیازهای ارزی حکومت می باشد، فروخته و سوده های هزاران میلیاردی به جیب زده اند. جهانگیری معاون روحانی در جریان افزایش قیمت دلار در ماههای پایانی سال گذشته این خبر را تأیید کرده است.

دولت روحانی در یکی دو سال گذشته بحث آزاد سازی قیمت ارزهای خارجی را مطرح کرده است. بانک مرکزی به عنوان تنها عرضه کننده ارزهای خارجی، طبعاً در

مسلم است و آن اینکه مردم ما و بویژه زنان مبارز با مخالفت علیه حجاب اجباری و نشان دادن صورت دیگری از محدودیتهای اجتماعی نه فقط از حقوق و آزادیهای خود دفاع می کنند بلکه بدین وسیله شکاف بین جناح ها و نیروهای دولتی را بیش از پیش تعمیق و آشکار می کنند و این همه از دید دشمنان مردم ما هم پنهان

## کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر



### کارگران به استقبال روز جهانی کارگر میروند

گروه اتحاد بازنشستگان طی بیانیه ای برای اول مه، روز جهانی کارگری و برای پیگیری خواستهایشان به تجمع در ساعت ده صبح در مقابل مجلس اسلامی فراخوان داده است. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "مزدبگیران جامعه اعم از کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و میلیونها بیکارجویی کار، درحالی به استقبال این روز جهانی می روند که در شرایط بی سابقه ای از فقر و فلاکت و فشارهای خردکننده معیشتی زندگی می کنند و علیرغم اعتراضات، تجمعات، راهپیمایی ها و اعتصابات گسترده، حکومت همچنان به دست اندازی و تعرض خود به ته مانده سفره این طبقه بزرگ اجتماعی ادامه داده و راه برون رفت از بحران های اقتصادی و بین بست های اجتماعی و سیاسی خود را بر کرده اکثریت جامعه یعنی: مزدبگیران تحمیل کرده است.

این روز را باید به تجلی همبستگی همه بازنشستگان، کارگران، معلمان، پرستاران و سایر مزد بگیران که خواست های مشترک دارند، تبدیل کنیم و باید با فریاد رسا، اعتراض خود را به وضعیت نابسامان موجود اعلام نماییم."

بازنشستگان در تجمعات قبلی خود و با شعارهایی چون حقوقهای نجومی، فلاکت عمومی، یک اختلاس کم بوشه، مشکل ما حل میشه، اگر کم ما نبودیم، تو اون بالا نبودیم، خط فقر ۵ میلیون، حقوق ما یک میلیون صدای اعتراض خود را علیه فقر، تبعیض و نابرابری اعلام کرده اند. شعارهای بازنشستگان بیان خواسته های کل جامعه است که بطور واقعی جامعه ای انسانی را فریاد میزند. اول مه بهترین فرصت برای بلند شدن صدای این اعتراض انسانی و طنین انداختن شعارهایش در خیابانهاست. گروه اتحاد

بازنشستگان فراخوانش به همه بازنشستگان، کارگران، معلمان و مردم معترض است. با شرکت گسترده خود و به همراه خانواده هایمان وسیعا به این صدا پیوندیم. اول ماه مه را هر چه با شکوه تر گرامی بداریم.

علاوه بر فراخوان به تجمع اعتراضی به مناسبت روز جهانی کارگر، در این هفته ندای زنان تحت عنوان روز جهانی کارگر ندای انسانیت است و نیز جمعی از فعالین و نهادهای مدافع حقوق زن، ادمین کانالهای تلگرامی و دختران خیابان انقلاب، بمناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگریانیه داده و این روز را گرامی داشتند. حمایت از مبارزات زنان علیه قوانین ضد زن، علیه تبعیض و تحقیر، علیه حجاب اجباری و علیه جنس دوم شمردن زن، خواست حداقل دستمزد ۵ میلیون برای کارگران، همه شاغلین و بازنشستگان، تضمین شغل و امنیت شغلی برای همه افراد مشمول کار، لغو قراردادهای موقت و سفید امضا و تبدیل همه آنها به قرارداد دائم، اعتراض به هرگونه تبعیض جنسیتی، قومیتی و ملیتی در محل کار، ممنوعیت کار کودکان، حمایت و اعلام همبستگی با

اعتراضات و اعتصابات جاری، بویژه کارگران هپکو، هفت تپه، فولاد، بازنشستگان، معلمان، دانشجویان و زنان، آزادی بی قید و شرط و فوری کارگران زندانی، معلمان زندانی و همه زندانیان سیاسی، حق تشکل مشخصا حق تحزب، حق اعتراض و اعتصاب و لغو احکام امنیتی کردن اعتراضات و اعتصابات، همبستگی اقشار مختلف علیه سرکوب کارگران مهاجر و اقدامات نژادپرستانه، رفع هر گونه تبعیض حقوقی و قانونی از زندگی زنان و ایجاد شرایط برابر برای کسب موقعیت شغلی، ایجاد بیمه بیکاری و تامین مسکن مناسب برای همه افراد بیکار و مشغول به تحصیل، بیمه درمانی و بهداشت

رایگان برای افراد، تامین تحصیل رایگان و رفع هرگونه تبعیض و تفکیک جنسیتی در محیط های کاری و تحصیلی، تامین امنیت جانی و شغلی برای زنان در محیط های عمومی و کاری، لغو تمام طرحهایی که سبب بی ثباتی شغلی زنان در محیط های کاری می شود، تامین مهد های کودک رایگان برای کودکان، تضمین امنیت شغلی زنان در دوره بارداری و پس از مرخصی زایمان، لغو تمام قوانین و طرح هایی که شکاف جنسیتی را رواج میدهد، پرداخت دستمزد برابر و تعیین ۵ میلیون تومان پایه حقوق برای همه زنان و مردان شاغل، جرم اعلام کردن تاخیر در پرداخت حقوق کارگران، تعیین دوره مرخصی برای دوره پروردن زنان، تعطیلی رسمی روز جهانی کارگر و لغو ممنوعیت برگزاری مراسم های اول ماه مه و تاکید بر داشتن یک زندگی استاندارد شاد و برابر به عنوان حق همه انسانها از جمله خطوط مهم این بیانیه هاست. بیانیه های اول مه پلانتهای مبارزات جامعه برای خواستهایشان و برای داشتن یک زندگی انسانی است.

### فراخوان بازنشستگان فولاد خوزستان یک الگوست

بازنشستگان فولاد خوزستان برای ساعت ۹ صبح روز ۱۱ اردیبهشت، روز جهانی کارگر به تجمع در مقابل امور بازنشستگان اهواز فراخوان داده اند. این کارگران اولتیماتوم داده اند که اگر تا روز ۱۰ اردیبهشت جواب خواستهایشان را نگیرند همراه با سایر فولادیان در این محل تجمع خواهند کرد. این اقدام بازنشستگان فولاد خوزستان یک الگو برای کارگران هپکو، آذرب و آوانگان در اراک، گروه فولاد ملی در اهواز، نیشکر هفت تپه و تمام مراکز کارگری در شهرهای مختلف است که با استفاده از فرصت اول ماه مه و برافراشتن پرچم گرامیداشت روز جهانی کارگر به خیابان آیند و

خواستها و مبارزاتشان را پیگیری شوند و به طور مثال مکانی چون ادارات کار به مراکز تجمعات وسیع اول ماه مه مردم در آن شهرها تبدیل شود.

### رژیم اسلامی در هراس از روز جهانی کارگر

یک وحشت حکومت اسلامی، شرایطی است که امروز در آن به استقبال روز جهانی کارگر میرویم. اوضاع بعد از خیزش انقلابی مردم در دیماه، فضای انفجاری محیط های کارگری و کل جامعه، بن بست اقتصادی حکومت و استیصالش در برابر جامعه ای که به پا خاسته است، فرارسیدن روزی چون روز جهانی کارگر را به هراسی بزرگ برای حکومت تبدیل کرده است. از همین رو با نزدیک شدن به این روز حکومت اسلامی بر امنیتی تر کردن بیشتر فضای اعتراضی کارگران و تشدید فشارهایش بر روی رهبران و فعالین کارگری و اجتماعی تلاش دارد. از جمله در این هفته پنج نفر از فعالین کارگری شهر سنندج به نام های شریف ساعدپناه، حبیب الله کریمی، غالب حسینی، خالد حسینی و مظفر صالح نیا طی چند حضاربه جداگانه به شعبه یک دادگاه انقلاب این شهر احضار شدند. همچنین

صبح روز ۴ اردیبهشت تعدادی از کارگران نیشکر هفت تپه به نام های عبدالرحیم بسحاق، اسماعیل بخشی، کرامت پام، جلیل احمدی، سید حسن فاضلی، حسین حمدانی، عادل سماعین و رستم عبدالله زاده پیرو احضار شعبه ی سوم دادیاری دادسرای عمومی و انقلاب شوش به همراه وکیل خود خانم فرزانه زیلابی در دادسرا حاضر شدند. قابل توجه اینجاست که این کارگران بر اساس شکایت رئیس هیئت مدیره ی وقت (رستمی) و گزارش پلیس امنیت،

تحت عناوین اخلاخ در نظم عمومی از طریق شرکت در تجمع اعتراضی این کارگران در شانزدهم اسفند تفهیم اتهام شدند. بلین ترتیب دستگاه قضایی حکومت اسلامی در کنار کارفرمای هفت تپه که ماهها دستمزد کارگران را بالا کشیده و به خواست آنان پاسخ نمیدهد قرار گرفته و کارگران را به دادگاه کشانده اند. اعتراض علیه امنیتی کردن مبارزات یک موضوع مهم اعتراضات کارگری است که ضروریست یک محور مهم قطعنامه های روز جهانی کارگر باشد. بعلاوه ایستادن در مقابل دستگیری فعالین کارگری و احضارها بخش مهمی از تدارک ما برای برگزاری یک اول ماه مه بزرگ و قدرتمند برای پیگیری خواستها و مبارزاتمان است. با اعتراض وسیع و سراسری خود جلوی دستگیری های وسیعتر و گذاشتن فشار بر روی فعالین و رهبران کارگری را بگیریم. احضار کارگران معترض باید فوراً متوقف شود. معلمان زندانی اسماعیل عبیدی، محمود بهشتی و مختار اسلی و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند و تمامی پرونده های امنیتی تشکیل شده برای همه کارگران و فعالین اجتماعی باید فوراً بسته شود.

### اعتراض کارگران به حداقل مزد تعیین شده برای سال ۹۷

### پیش بسوی اعتصابات سراسری کارگری

امسال نیز شورایعالی کار حداقل دستمزدها را چند بار زیر خط فقر رقم زد و کارگران به آن اعتراض دارند. انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه طی بیانیه ای در ۳۱ فروردین ماه اعتراض خود را به تصمیم شورایعالی کار در مورد





## شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:  
<http://www.countmein-iran.com>

### سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3  
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

### کانادا:

Canada, ICRC, Scotiabank  
4900 Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1  
Account #: 84392 00269 13

### هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN  
Shomare hesab: 15 13 50 248  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

### آمریکا:

Bank of America  
277 G Street, Blaine, Wa 98230  
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush  
Account number: 99 - 41581083  
wire: ABA routing # 026009593  
swift code: BOFAUS3N

## شماره حساب انگلیسی ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23, account holder: WPI  
branch: Wood Green, Bank: NatWest  
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 81 4779  
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱  
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷  
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶  
از ایران: عبدل کلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

سالهای اخیر دستاوردهای بسیاری برای آنان و کل جامعه داشته است. معلمان در اعتراضاتشان با خواستهایی چون خواست افزایش حقوقها به بالای خط فقر، با اعتراض به حقوقهای نجومی، با اعتراض به کالایی شدن آموزش و با خواست تحصیل رایگان برای همه، با اعتراض به وضع نابسامان درمان و با خواست درمان رایگان برای همگان، با خواست ایجاد تسهیلات برای تامین مسکن و با اعتراض به اختلاسها، نقش مهمی در جلو آوردن خواستههای سراسری کل جامعه داشته اند. معلمان در مبارزاتشان با شعارهایی چون معیشت، منزلت، حق مسلم ماست، نمایندند ۶۰ میلیون حقوق ما یک میلیون کل بساط تبعیض و نابرابری سرمایه داری حاکم را به چالش کشیده اند. اکنون نیز با همین خواستها معلمان به استقبال روزهای اعتراضی ای که در پیش دارند میروند. معلمان در عین حال با خواستههای رادیکال و انسانی خود است که همواره توانسته اند جریانات سازشکار و راست را از سر راه مبارزاتشان کنار بزنند.

یک نکته نا روشن در فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان فراخوان برای روز جهانی کارگر است. ندیدن این موضوع بطور واقعی از مبارزات امروز معلمان عقب است. بویژه در چند ساله اخیر صف متحد کارگران، معلمان و باننشستگان یک نقطه قوت بزرگ مبارزات آنان حول خواستههای سراسری شان بوده است. فراخوان من به همه معلمان شرکت وسیع در تجمعات روز جهانی کارگر با شعار زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر، زنده باد اتحاد کارگران و معلمان است. همچنین انتظار است که پلاکارد گرامیداشت روز جهانی کارگر در اولین روز تجمعات اعتراضی معلمان برافراشته شود.

ترتیب این کارزاری اجتماعی است که با قدرت به جلو میروند. انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه باینابه اعتراضی خود به میزان تعیین حداقل دستمزدها برای سال ۹۷، این کارزار را گامی به جلو برد. وسیعا به این اعتراض پیوندیم. اعتراض کارگران در این کارزار نه فقط به سطح نازل دستمزدها بلکه به فاصله عظیم طبقاتی و حقوقهای نجومی نیز هست.

### معلمان به استقبال هفته معلم میروند

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران فراخوان خود را به مناسبت هفته معلم اعلام کرده است. این فراخوان بر متن فضای اعتراضی در میان معلمان برای پیگیری خواستههایشان اعلام شده است. بنا بر این فراخوان ساعت ده صبح روز ۱۲ اردیبهشت روز گرامیداشت ابوالحسن خانعلی، معلمان به تجمع در مزار خانعلی فراخوان داده شده اند. روز ۱۳ اردیبهشت قرار است در همبستگی با معلمان دربند، تعدادی از معلمان به نمایندگی از معلمان ایران با خانواده های این عزیزان دیدار داشته باشند. روز ۱۴ اردیبهشت به برنامه پیاده روی و کوهنوردی با تاکید بر حفظ و صیانت محیط زیست اختصاص یافته است. روز ۱۵ اردیبهشت به عنوان روز دفاع از حقوق دانش آموزان با تاکید بر بودجه عادلانه بر آموزش رایگان، کیفی و عادلانه تعیین شده است. روز ۱۶ اردیبهشت روز تاکید بر حق تشکل یابی مستقل معلمان و ۱۷ اردیبهشت به عنوان روز همبستگی و همکاری مدرسه و خانواده در نظر گرفته شده است. روز ۱۸ اردیبهشت معلمان فراخوان به شرکت در تجمع اعتراضی معلمان باننشسته و همبستگی با خواستههای اعتراض آنان در مقابل مجلس داده شده اند. و بالاخره برای روز ۱۹ اردیبهشت معلمان به اعتصاب سراسری در دو ساعت آخر درسی و روز ۲۰ اردیبهشت به تجمع سراسری در مقابل سازمان برنامه و بودجه در تهران و مراکز آموزش و پرورش در شهرستانها فراخوانده شده اند. مبارزات با شکوه معلمان در

میزان حداقل دستمزدها برای سال ۹۷ اعلام داشت. این انجمن در بیانیه خود با فراخوان "پیش بسوی اعتصابات سراسری" به طور واقعی صدای اعتراض همه کارگران را به تصمیم پیشروانه شورایی عالی کار مبنی بر حداقل مزد یک میلیون و یک صد و یازده هزار تومانی که چند بار زیر خط فقر است، اعلام میکند. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "این ذهن کجی و بیورش عظیم به سطح دستمزد کارگران که نه تنها کارگران شاغل، بلکه زندگی معلمان، مزدبگیران کم درآمد و عموم مردم محروم را باز هم بیشتر به ورطه تباهی کشانده است، برای ما کارگران قابل تحمل نیست و پاسخ درخور خود را با بره انداختن انواع شیوه های مبارزاتی خواهیم داد. ما بازم و اینبار محکم تر برای مقابله با این گستاخی و لابیگری دولت در قبال تامین نیازهای معیشتی ما و با خواست افزایش فوری دستمزد ۵ میلیون تومان به میدان خواهیم آمد. باید برای پایان دادن یکباره به فقر گرانی و بیکاری اعتصابات سراسری بخش شاغل طبقه کارگر به موازات اعتراضات سراسری بیکاران و بقیه مردم در تنگای معیشتی قرار گرفته، در دستور کار قرار گیرد".

انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه قبلا نیز همراه با ۴ تشکل اتحادیه آزاد کارگران ایران، کانون مدافعان حقوق کارگر، سندیکای نقاشان البرز و کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری اعتراض خود را به دستمزدهای زیر خط فقر با خواست حداقل دستمزد ۵ میلیون و علییه حقوقهای نجومی اعلام کرده بود. بعلاوه ۴ تشکل دیگر کارگری سندیکای واحد، سندیکای نیشکر هفت تپه، گروه اتحاد باننشستگان و کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکلهای کارگری نیز در بیانیه مشابهی بر روی همین خواستهها تاکید گذاشته بودند. همچنین یک بند قطعنامه باننشستگان به خواست حداقل دستمزد ۵ میلیون اشاره داشت. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان و هفتاد انجمن صنفی کارگران ساختمانی نیز اعلام کرده بودند که به دستمزدهای زیر خط فقر تن خواهند داد. بدین

[fb.com/  
wpIran/](http://fb.com/wpIran/)

## زنان شجاع ایرانی

این مطلب در مجله پرتیراژ آلمانی Emma بچاپ رسیده است.

کنم و در کار و زندگی ام پیشرفت کنم. درست مانند یک گل!

نادیا ۳۶ ساله از تهران

من در یک شرکت خصوصی کار میکنم. بعد از کارم، یا در خانه مشغول کارهای خانه هستم و یا با دوستانم در شهر همیگر را می بینیم. من قبل از اعتراضات سال ۱۳۸۸ اعتراض علیه حجاب سازمان میدادم. و بیشتر البته در سطح دوستان و آشنایان. من در تظاهراتهای متعدد شرکت کردم. هر بار که در خیابان شاهد بودم گشت ارشاد و غیره به زنانی که حجابشان را رعایت نکرده اند، بند کرده و آنها را اذیت میکنند، فوراً دخالت کرده و از زنان دفاع میکنم. یکبار در مترو بیش از یک زن نشسته بودم که بدون حجاب بود. یک زن چادری از او پرسید، چرا حجابت را رعایت نمیکنی من در آنجا بلند شدم و گفتم به شما چه؟ بلند گفتم او حق دارد بدون حجاب بیرون برود، و اصلاً تو چرا در این امر دخالت میکنی.

مریم شریعتمداری ۳۲ ساله یکی دیگر از زنانی بود که این حرکت را ادامه داد یک پلیس او را هل داد. مریم به یک سال زندان محکوم شد.



مریم شریعتمداری ۳۲ ساله یکی دیگر از زنانی بود که این حرکت را ادامه داد یک پلیس او را هل داد. مریم به یک سال زندان محکوم شد.



نرگس حسینی ۳۲ ساله دومین زنی بود که در خیابان انقلاب اعتراض کرد او به دو سال زندان محکوم شد.



مریم ۲۷ ساله تهران من بعنوان یک دختر کوچک باید حجاب را رعایت میکردم، و اجازه نداشتیم در بسیاری از تفریحات ورزشی شرکت کنیم. من بعدها مهندسی خواندم. بعد از دانشگاه بعنوان یک زن بسیار مشکل داشتم شغل مناسبی پیدا کنم. از طریق مطبوعات از حرکت دختران خیابان انقلاب علیه حجاب اجباری مطلع شدم. من آرزو میکنم، ما زنان یک روز همانند مردان همانقدر حق داشته باشیم. من خواهان یک زندگی آزاد و شاد هستم.

لیلا ۳۲ ساله از کرج

من با دختران خیابان انقلاب همبستگی اعلام میکنم. من خودم تصمیم بگیرم. من میخواهم رشد

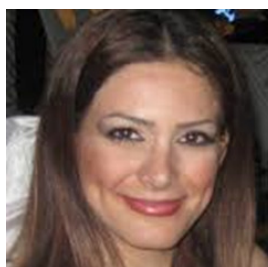
اند بسیار جالب و موثر است.



شاپرک، ۴۳ ساله از تهران من با پسرم باهم زندگی میکنم، آرزویم اینست که ما زنان بالاخره حقوقمان را دریافت کنیم و همینطور میخواهم همه مردم به حق خود برسند. من آرزو میکنم که حجاب دیگر اجبار نباشد. من آرزو میکنم که دستگیری و خشونت علیه زنان بالاخره نقطه پایانی گذاشته شود. شاپرک از جمله اولین زنانی بود که ویدیوی او در ماه ژانویه اونلاین شد. او به همه زنان در ایران فراخوان داد حجابها را در همستگي با ویدا موحد به یک چوب ببندند. او را دستگیر کردند. به اعتصاب غذا دست زد و در ۲۸ فوریه از زندان آزاد شد.



ویدا موحد او اولین نفر بود که روی یک بلندی رفت و حجابش را بعنوان یک پرچم به اهتزاز در آورد. ویدا ۳۱ ساله در خیابان انقلاب او یک ماه در زندان بود و سپس آزاد شد.



emma emag 2018 03 di gitafileg\_583pd.pdf

آنها زندگیشان را به خطر می اندازند برای آزادی و احترام به حقوق انسان. بعد از چهل سال که خمینی به قدرت رسید، حکومتی که بعد از رفتن شاه ایران را به یک 'کشور الهی' تغییر داد، زنان علنی به خیابان آمده و علیه حجاب اجباری اعتراض میکنند. حجاب که سمبل جنبش اسلامی است، امروز مورد اعتراض زنان است. زنان حجاب را از سر بر داشته صورت خود را نشان داده و موهای خود را به دست باد می سپارند. زنان ایران این پارچه مورد نفرت را به پرچم تبدیل کرده اند. پرچمی که معنای تحقیر و ستم را ندارد، بلکه پرچم آزادی و رهایی و مبارزه علیه حجاب است.

ویدا موحد اولین نفر بود که در ۲۷ دسامبر ۲۰۱۷ به این تابلو شکنی دست زد و اتفاقی هم نبود که در خیابان انقلاب در تهران این کار را کرد. اسم این دختران را امروز دختران خیابان انقلاب میگویند. تا اواسط آپریل حداقل ۳۶ زن به همین دلیل دستگیر شده اند. ۴۵ نماینده پارلمان اروپا خواهان آزادی دستگیر شدگان شدند.

آنها نه تنها جرات میکنند حجابها را پرتاب کنند بلکه جرات میکنند در عین حال صدای خود را بلند کنند و صورتشان را نشان دهند "نشریه اما" با کمک زنانی که در اروپا زندگی میکنند و از جمله مینا احدی و مژده نورزاد با این زنان ارتباط گرفته و آنچه این زنان گفته

مجله Emma بسیار تحت تاثیر شجاعت زنان ایرانی قرار گرفته است، زنانی که جرات میکنند علیه حجاب اجباری اعتراض کنند. چرا که اصلاً ساده نیست علیه حجاب اجباری صدایت را بلند کنی، ارتباطات کهنه آلیس شوارتزر که در سال ۱۹۷۹ چند هفته بعد از قدرت گرفتن خمینی در ایران بود، دیگر در ایران نیستند. آن زنان یا در زندان هستند یا کشته شده اند یا به خارج پناهنده شده اند، آلیس در گزارشات افشاگرانه و آگاهگرانه خود که در نشریه "اما" بارها منتشر شده، پیشگویی کرد که در مقابل این ظلم ارتباطاتی که با زنان در تبعید داشتیم ارتباط با زنان داخل ایران را بی گرفتیم. از کلن تا نیویورک این زنان به ما کمک کردند که سوالات خودمان را از زنان ببرسیم، و کمک کردند این پاسخها را از فارسی ترجمه کنیم. تشکر فراوان از مینا احدی! مینا زنی است که همسرش در ایران در سال ۱۹۸۰ اعدام شده و او در سال ۱۹۸۱ ایران را ترک کرده و از ۱۹۹۶ در کلن است، جایی که او فعالیت های سیاسی اش را پی میگیرد. همچنین تشکر فراوان از مژده نورزاد او در سال ۱۹۸۴ از ایران فرار کرده است. ما چنان تحت تاثیر زندگی و فعالیتهای این زنان قرار گرفتیم که تصمیم داریم شماره آینده نشریه را به داستان زندگی این زنان ایرانی فعال در تبعید اختصاص دهیم.

<https://www.emma.de/sites/default/files/>



## گشت ارشاد و کشاکشهای درون حکومت

کاظم نیکخواه



کردم من کجا فتوا صادر کردم؟ آقای پژمان‌فر این شما بودید که فتوا صادر کرده و بنده را مرتد خطاب کردید. دادگاه صحرایی تشکیل دادیم؛ در حالی که اینجا مجلس است و باید صدای ملت از تریبون بلند شود و نباید نماینده مردم را به ارتداد تهدید کرد.."

این فقط گوشه کوچکی از یک گزارش مفصل از دعواهای درون مجلس اسلامی و انعکاس خشم مردم در گسترش دعواهای درون حکومت است. اینکه همین ویدئوی تعرض گشت ارشاد به یک دختر، چه جنگ و جمل و کشاکشی را در بیت رهبری و محافل بالاتر حکومتی دامن زده و چه فحشهایی به یکدیگر داده اند، هنوز آشکار نشده است. اما تردیدی نباید داشت که مدام اینها دارند توی سر یکدیگر میزنند که راهی برای جلوگیری از انفجار خشم مردم پیدا کنند. اما ذات و ماهیت

تاثیر فشار افکار عمومی بر گسترش کشاکشهای درون حکومت را از گزارشی در روزنامه شرق میتوان بوضوح مشاهده کرد. هفته گذشته ویدئویی از تعرض سخیف ماموران گشت ارشاد جمهوری اسلامی به یک دختر بخاطر رعایت نکردن حجاب اسلامی، در فضای مجازی منتشر شد و خشم مردم را برانگیخت. فوراً در درون حکومت دعاها بالا گرفت که چرا با این نوع کارها مردم را تحریک میکنید. اینها میدانند که مردم مترصد فرصتند و این نوع اقدامات و تعرضات میتواند یک جایی آتش انقلابی گسترده را روشن کند و به عمر ننگین این حکومت پایان دهد. وحشتشان از اینجاست. بگذارید گوشه ای از این گزارش را اینجا نقل کنیم. شرق این طور گزارش میدهد: «بحث درباره حجاب تمامی ندارد. طیفهای سیاسی از منظر خود به ویدئوی اخیر برخورد مأموران گشت ارشاد با زنان پرداخته‌اند. آیت‌الله جنتی، دبیر شورای نگهبان، گفته «تسلیم همگما نشویم؛ باید از مأموران ناجا در برخورد با منکرات حمایت کنیم.» در مجلس هم بحث داغ داغ است و کار به بگومگویی بین نمایندگان مجلس رسیده. در جلسه علنی روز سه‌شنبه نصرالله پژمانفر به کنایه سخن و نقد بهرام پارسایی درباره امری معروف (و اشاره او به مستحبه بودن آن) را نوعی ارتداد خواند. بهرام پارسایی که رئیس فراکسیون حقوق شهروندی مجلس دهم است... در جلسه چهارشنبه صحن علنی مجلس از ادبیات پژمانفر گله کرد «اینجا مجلس است و باید صدای ملت از تریبون بلند شود و نباید نماینده مردم را به ارتداد تهدید کرد. پژمانفر گفته که من واجبی را منکر شده‌ام، بنده کجا واجبی را منکر شده‌ام؟ پژمانفر همچنین گفته من فتوایی صادر



حجابم را به چوب بستم. من یک گروه همیاری و کمک بخود سازمان داده‌ام. هر روز از ساعت هشت و نیم صبح تا پنج عصر من سعی میکنم به مردمی کمک کنم که احتیاج به کمک دارند. ما دیده ایم که متحدانه بسیار قویتر هستیم. من همواره در زندگی روزمره خودم هم معترض بودم و به ظلم و نابرابری اعتراض میکردم. من هیچگاه اگر حجابم پایین می افتاد، نمیترسیدم. هر روز یک فکر در مغزم هست. من میخواهم آزاد باشم.

لیلا ۳۵ ساله از تهران زندگی من سخت است من مشکلات زیادی در زندگی دارم. بعنوان یک زن طلاق گرفته و یک مادر. من از دولت و حکومت هیچ کمکی نمیگیرم. مردان زیادی فکر میکنند چون من طلاق گرفته‌ام و تنها هستم میتوانم راحت هر کاری که میتوانم با من بکنند. در ایران زنان زیادی مثل من هستند بسیاری در این شرایط سخت ناامید و افسردگی دارند و چیزی که کشور ما را به نابودی کشانده اختلاس و بیچاپ بچاپ هست. من بر بالای یک صندوق برق رفته در مقابل یکی از نهادهای وزارت اطلاعات یک کاغذ در دست داشتم که بر روی آن نوشته بودم به خشونت بر علیه زنان پایان کنند.



سایت حزب:

[www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)

سایت روزانه:

[www.rowzane.com](http://www.rowzane.com)

حکومت اسلامی همین است که مامورین کشیف گشت ارشاد با توهین و کتک زدن یک دختر در جلوی چشم مردم به نمایش گذاشتند. مردم مصمم هستند که اینها را افسار بزنند و در سوراخ کنند و قطعا دیری نخواهد پایید که مردم خشمگین جامعه ایران وحوش اسلامی را به زیر خواهند کشید و مهار خواهند کرد و به محاکمه خواهند کشید.

**روز نمایش عزم و اتحاد  
برای  
بازگرداندن اختیار به انسان**

**به حزب کمونیست کارگری ایران  
پیوندید**



خواهد افتاد!

و در اطلاعیه سوم نوشتند: "حاکمیت به سفره خالی مردم زحمتکش کردستان اهمیت نمی دهد، پس باید اعتراضات را به شکل تجمعات توده‌ای به خیابان‌های شهرهای کردستان و کرمانشاه و آذربایجان غربی و خصوصاً جلو فرمانداری‌ها هدایت کرد. دولت به عمق فاجعه آگاه است، می داند که مردم شدیداً بی‌کار و دچار فقر و تنگدستی مفرط هستند، اما آگاهانه هیچ اقدامی برای چاریابی نمی کند. کاسبکاران پس از یک هفته اعتصاب انتظار داشتند که حاکمیت به اعتراض مدنی و دمکراتیک آنها احترام بگذارد و در جهت رفع مشکل و بازگشایی مرزها فوراً اقدام کند، اما چنین نشد. اکنون کاسبکاران و بی‌کاران و کارگران ضروری می دانند که به شکل دیگری جمهوری اسلامی را متوجه مشکلات و ظلم غیر قابل تحمل خود کنند. اگر مسئولین فکر کردند که ما بلون گرفتن حق و کسب دستاورد خاموش می نشینیم و نظاره‌گر گرسنگی بیشتر و تباه شدن زندگی خود و کودکانمان خواهیم بود، سخت در اشتباهند. یا باید به این تحریم و محرومیت و تحمیل فقر پایان دهند یا منتظر شنیدن صدای اعتراضات سراسری خیابانی ما کاسبکاران و مردم زنجیده مناطق مرزی باشند". در ادامه این اطلاعیه، مردم تهی‌دست شهرهای مرزی در کردستان به تجمع در روز ۴ اردیبهشت در مقابل فرمانداری شهرهای بانه، مریوان، جوانرود، سردشت، سقز و پیرانشهر و دیگر شهرهای مرزی فراخوانده شده اند.

**نماینده خامنه ای در مریوان و بانه مورد اعتراض گوبنده جوانان قرار گرفت.**

اعتصاب و اعتراض مردم

## اهمیت اعتصاب و اعتراض علیه فقر و بیکاری در شهرهای کردستان

نسان نودینیان

و ۲۹ فروردین مغازه داران شهر پیرانشهر و مجتمع بزرگ تجاری و تفریحی الماس در شهر جوانرود به اعتصاب پیوست.

### موضع سیاسی و رادیکال اعتصاب

در اطلاعیه دوم که توسط جمعی از کولبران و مردم شهرهای مریوان، بانه، جوانرود، اورامانات، سقز، سردشت، منطقه ترگور و مرگور و پیرانشهر منتشر شده آمده است: همه به این واقعیت ساده آگاه هستیم که مسلود کردن مرزها به معنی ممنوعیت معیشت در مرزها و پایان دادن به تنها راه پیدا کردن لقمه ای نان شرافتمندانه برای همه ما است. ما شاهد و شرکت کننده چندین جلسه و نشست با مسئولین دولتی جهت حل معضل بیکاری و رفع انسداد مرزها و معابر کولبری بودیم. اما فرمانداران و نیروهای امنیتی و همه مسئولین دولتی تنها بر همان وعده‌های همیشگی و غیر واقعی خود اصرار می ورزند و نتیجه پایانی هر جلسه هم بکارگیری زبان تهلیل سرکوب و خشونت است! نتیجه‌ای که ما در شهرهای جوانرود، بانه، مریوان، سقز، سردشت و پیرانشهر در این روزها از نیت و هدف دولت حاصل کردیم این بوده است که شما به اعتراضات خود پایان دهید و کار را به ما بسپارید! این هم یعنی هیچکس پاسخگو نیست و سفره فقر باید همچنان گسترده باقی بماند. اما پاسخ ما باید ادامه اعتراضات سازماندهی شده به شیوه‌های مختلف تا رسیدن به حقوق مسلم و سلب شده ما باشد. ما برای تامین یک زندگی ابتدایی و کار عادلانه و برابری در حقوق دست به اعتصاب زدیم. در صورتی که همه متحملانه و فعالانه کنار هم قرار

نگیریم و دست به یک اعتراض وسیع اجتماعی و مدنی نزنیم، بار سنگین این مبارزه برای کسب خواسته‌هایمان به شلت بر دوش هم سرنوشت‌انمان یعنی مغازه‌داران و کسب‌های شهرها

فقر و فلاکتی که گریبان مردم، کارگران و جوانان بی‌کار را گرفته است، انجام شد. مطلوب‌ترین شیوه مبارزه علیه فقر و متشکل‌ترین شیوه ابراز ناراضیاتی و تنفر از نظام حاکم، دوم، اعتصاب همزمان در بانه، جوانرود، مریوان، پیرانشهر و سردشت توجه مردم در این شهرها و سایر شهرهای کردستان و در سطح سراسری را بخود جلب کرد. سوم، اعتصابی که از ۲۶ فروردین ماه شروع شده، حقوق و خواسته‌هایی را که در چند سال گذشته در اشکال مختلف اعتراضی راه پیمایی‌ها توسط کولبران بیان شده، بشکل کنکرت توسط کارگران و جوانان بی‌کار و کولبران علیه بیکاری و فقر بعرضه ای از مبارزات خیابانی با نمایش سفره‌های خالی به نمایش گذاشته شد.

### کارگران و جوانان کولبر اینبار بشکل دسته جمعی علیه بیکاری و فقر بمیدان آمدند.

با شروع اعتصاب در بانه و جوانرود و سپس در مریوان، پیرانشهر، سقز و سردشت کارگران و جوانان بی‌کار اینبار دسته جمعی در برگزاری راه پیمایی و پهن کردن سفره‌های خالی بمیدان آمدند. علیه بیکاری و فقر دست به اعتراض زدند و اعلام کردند "سفره خالی ما نان می‌خواهد"، و خواست کار یا بیمه بیکاری و امنیت معیشتی را فریاد زدند.

در مدت بیش از ۶ روزیکه فضای اعتصاب و اعتراض در شهرها حاکم شد، جنبش پهن کردن سفره‌های خالی شکل گرفت. اعتراض علیه بیکاری و برای نان و بیمه بیکاری در متن اعتصاب نمایش قدرت جمعی مردم، به خواست اصلی و مضمون اعتراضات کشیده شد.

یک روز پس از اعتصاب مردم در بانه، مردم شهرهای جوانرود، مریوان و سقز نیز به اعتصاب و راهپیمایی پرداختند، کارگران شهرک صنعتی بانه دست به اعتصاب زدند

کردستان همواره با آمارهای ضد و نقیضی از سوی مدیران و مسئولان مواجه شده است و هر بار آماری در این خصوص ارائه می شود. آنچه امروز ما شاهد هستیم بیکاری در شهرهای کردستان بیداد میکند. اکثریت بالایی از جوانان تحصیلکرده فاقد موقعیت شغلی هستند. و به جمعیت کارگران اخراج شده و بی‌کار افزوده میشود). با توجه به آمارهای منتشر شده بخش‌های زیادی از کارگران در شهر و روستاهای کردستان مهاجر هستند. با شروع بیکارسازی‌ها در مناطق صنعتی و پروژه‌های ساختمان‌سازی بر میزان کارگران مهاجر بیکار اضافه شده. رشد جمعیت شهرها و بیکاری و نداشتن فرصت‌های شغلی از یک طرف و ازدیاد هزاران نفری جوانان زن و مرد تحصیلکرده به بازار کار و نداشتن فرصت‌های شغلی سیمای شهرها را با بیکاری غالب و نداشتن تامین معیشتی تبدیل کرده است.

در دو دوره دولت روحانی بیکاری میلیونی در سطح سراسری مهمترین چالش اصلی بوده است. دولت روحانی با شعار اشتغال‌زایی و کار آمد، اما ناتوانتر از دولت‌های قبلی بر میزان بیکاری افزوده شد. فقر و پایین بودن درآمدها دامنه و عواقب بیکاری را بیشتر و عمیقتر کرده است. نداشتن بیمه بیکاری، بالا بودن نرخ خرید سبد معیشت روزانه، ناامنی دارویی و پزشکی و بالا بودن نرخ اجاره مسکن و ده‌ها مساله و مشکل مالی و اقتصادی فقر و ناداری را در عمیق‌ترین شکل به کارگران و جوانان بی‌کار و مزدبگیران جامعه تحمیل کرده است. در بطن این شرایط نا امن معیشتی و اقتصادی روی آوری به دست فروشی و کولبری در چند سال گذشته بیشتر و بیشتر شده است.

### اهمیت اعتصاب

تجارب اعتصابی که از ۲۶ فروردین ماه شروع شده مهمند. یکم، اعتصاب در یک و چند شهر بعنوان حربه مهم مردم علیه اجحافات و

اعتصابی که در شهر بانه از روز ۲۶ فروردین شروع شد بسرعت به سایر شهرهای کردستان کشیده شد و به اعتصاب عمومی همراه با راهپیمایی و اقدام سمبلیک نمایش سفره‌های خالی در خیابان‌ها در چندین شهر کردستان تبدیل شد. مردم علیه فقر و بیکاری و ستم و سرکوب به میدان آمده اند.

اعتصاب در اعتراض به بستن مرزها و بالا بردن تعرفه‌های کمرگی شروع شد، اما بسرعت با شرکت کارگران و جوانان بیکار به مبارزه‌ای خیابانی و علنی علیه بیکاری و نداشتن فرصت‌های شغلی، توسط کارگران و جوانان بیکار تبدیل شد. بیکاری گسترده کارگران و جوانان چالش اصلی در کردستان است. طبق آمارهای "دولتی" از ۵۶۶ هزار نفر جمعیت فعال استان کردستان ۹۲ هزار نفر بیکار است. نرخ بیکاری در شهرها ۱۸ و شش دهم درصد و در روستاها ۱۱ و دو دهم درصد است. از کل جمعیت بیکار استان کردستان ۷۴ درصد مردان و ۲۶ درصد زنان هستند. اگر چه از نظر تعداد بیکاران، شمار مردان بیکار در استان بیشتر است و در واقع از کل جمعیت بیکار استان ۷۴ درصد مرد و ۲۶ درصد زنان هستند، اما نرخ بیکاری زنان در کردستان دو برابر نرخ بیکاری مردان است. بیشترین بیکاری در استان کردستان مربوط به جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال است، بدان معنا که نرخ بیکاری در این محدوده سنی ۳۱ و هفت دهم درصد است و از تعداد کل ۹۲ هزار نفر بیکاران استان کردستان بیش از ۵۳ هزار نفر آنها یعنی ۵۸ و پنج دهم درصد در این گروه سنی قرار می گیرند. و مرکز آمار ایران، شش استان کردستان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان، سیستان و بلوچستان و گیلان را دارای بیکارترین استان‌های کشور اعلام کرد که بالاترین درصد از مجموع بیکار فعلی را در خود جای داده‌اند. (بیکاری در استان

## حمله اوباش به دختران در پارک طبیعت، حمایت جامعه و بهم ریختگی صفوف رژیم

نسرین رمضانعلی



تکثیر میشوند. نظام موقعیت خود را متزلزلتر از همیشه میبینند. اعتراضات کارگری، اعتراضات معلمان، اعتراض به وضعیت محیط زیست، اعتراضات گذاران بانکها، اعتصاب و اعتراض چندین شهر در کردستان به وضعیت معیشتی و بیکاری و... ادامه دارد. حکومت از همه طرف زیر ضرب اعتراضات مردم قرار دارد. نه سرکوب، نه تشدید رفتار خشن با زنان خیابان انقلاب و حامیان آنها، نه دستگیری و نه زندان و... نتوانسته و نمی تواند جلوی اعتراض مردم را بگیرد. اعتراض و مقاومت و مبارزه مردم وضعیت حکومت را بهم ریخته و در موقعیت دفاعی قرار داده است. اعتراضات دیمه و ادامه اعتراضات در بخش های مختلف جامعه حکم سرنوینی حکومت را صادر کرده است. مردم برای به گور سپردن حکومت اوباشان اسلامی سرمایه به نبرد نهایی نزدیک میشوند.

مجلس مجبور به اظهار نظر شده و اقدامات فیزیکی را محکوم کردند. طی روزهای اخیر تعدادی از ورزشکاران و رضا صادقی یکی از خوانندگان در ایران، پیام حمایتی از دختران انقلاب داده اند. رضا صادقی فیلمی پخش کرده است که در اینستاگرام و تلگرام در ابعاد میلیونی دیده شده است و صدها هزار کامنت در محکوم اقدام وحشیانه نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی و دستگیری و اذیت و آزار دختران انقلاب را منعکس میکند. اقدام و ابتکار مینو حسن آبادی در حمایت از دختران و مقابله او با باند اوباش مورد تحسین قرار گرفت و انعکاس خبری وسیع یافت. به همین خاطر زیر فشار حکومت قرار گرفت. وی پس از اینکه با وثیقه ۴۰۰ صد میلیونی آزاد شده بود به "ستاد امنیتی اخلاقی" احضار شد. دوم اردیبهشت و پس از حضور در این ستاد تلفن همراه او مصادره میشود و با اتهاماتی از قبیل حضو با برنامه ریزی درمحل وقوع حادثه، روشن بودن رنگ مانتو و تداخل در کار نیروی انتظامی مواجهه میشود. احضار خانم مینو حسن آبادی و طرح اتهامات پوچ و مسخره علیه او عمق درماندگی حکومت برای ایجاد فضای رعب و سرکوب و امنیتی کردن جامعه را به عیان نشان میدهد. دختران خیابان انقلاب هر روز باز

حمله ۲۰ فروردین اوباش "خواهران زینب" و چماق بدست رژیم به چند دختر جوان در پارک طبیعت تهران به یک موضوع داغ خبری بدل شد. مقاومت دختران و حمایت مینو حسن آبادی از آنها و افشاگریهایی که در پی آن صورت گرفت و حمایت جامعه از آنها، آینه ای شد که موقعیت رو به ضعف رژیم و اعتماد به نفس مردم در آن انعکاس یافت. مینو حسن آبادی که در این پارک حضور داشته است، تاب دیدن ضرب و شتم و فریادهای دختران جوان را ندارد و به حمایت از دختران میشتابد. دختران را از زیر چنگ اوباش در میآورد. نیروهای انتظامی مینو را دستگیر و به زندان انتقال میدهند. مینو طی دستگیری و در زندان، نه تنها مورد تحقیر و توهین قرار گرفته است بلکه مورد ضرب شتم نیز قرار میگیرد. مینو حسن آبادی در مصاحبه اش شرح میدهد احساس مادرانه اش اجازه نمیداد بی تفاوت باشد. فیلم این حمله و یورش چماقداران و وسیعاً در رسانه ها و مدیای اجتماعی منتشر شد. پس از صحبتهای خانم حسن آبادی زنانی در حمایت از دختران روسریها را برداشتند و از او اعلام حمایت و پشتیبانی کردند. رژیم تحت فشار گسترده قرار گرفت. فشار جامعه بحلی بود که برخی کارگزاران رژیم و از جمله نمایندگان

عمومی و اعتراضات سراسری قهرتمندتری در سطح کشور در راه است و اعتصاب و اعتراض در شهرهای کردستان میتواند مانند جرقه ای برای خیزش عظیم مردم در سراسر کشور عمل کند. اعتراضات جاری در کردستان جمهوری اسلامی را به وحشت انداخته است اما مردم همانطور که اعلام کرده اند زبان تهدید حکومت را نمیپذیرند. مردم سفره خالی و فقر را نمیپذیرند! بیکاری و ستم و تبعیض را نمیپذیرند! صدها هزار نفر در کردستان بیکارند و خواهان کار یا بیمه بیکاری و تامین معیشت هستند. مردم رفاه و زندگی میخواهند و قصد کوتاه آمدن ندارند.

### روز جهانی کارگر

در ادبیات مارکسیستی گفته می شود؛ اعتصاب مدرسه انقلاب است. اعتصابی که در ۲۶ فروردین از بانه و جوانرود آغاز شد و در شهرهای مریان، پیرانشهر و سقز ادامه داشت، به نمایش اعتراض خیابانی کارگران و جوانان بیکار تبدیل شد. به این معنی تجارب و درسهایی ارزشمند و قابل اتکا برای ادامه مبارزه در شهرهای کردستان علیه بیکاری و فقر را به کارگران و جوانان آموخت. مهمترین درس اعتراضات اخیر علیه فقر و بیکاری بالا نگه داشتن فضای اعتراض و مبارزه است. در شرایطی که به استقبال روز جهانی کارگر میرویم، بکارگیری درسهها و تجارب اعتراضات چند روز گذشته، بالا بودن آمادگی کارگران و جوانان بیکار با خواست کار یا بیمه بیکاری، مارش و مراسم های روز کارگر را تقویت خواهد کرد.

شهرهای کردستان در روزهای ۲۹ و ۳۰ فروردین وارد فاز جدیدی شده است. در مریان و بانه مردم به وعده های دروغین سعید جلیلی نمائیده خامنه ای با اعتراضات کوبنده خود عکس العمل نشان دادند. جوانان رو در رو با جلیلی اعلام کردند که از هیچ چیز نمیترسند و اگر لازم باشد هرکس روی مردم دست بلند کند را به سزای اعمالش خواهند رساند. جوانان بیکار به جمهوری اسلامی هشدار دادند و موضع تعرضی و حق طلبانه ای را اعلام کردند. اعتصاب سراسری و اعتراضات چند هزار از کارگران و جوانان بیکار لحن و دادخواهی مردم را علیه حاکمان جنایتکار تعرضی تر کرده است. سعید جلیلی که با این فضا مواجه شد، با عجله شهرهای بانه و مریان را ترک کرد.

### حمایت دانشجویان

۲۹ فروردین دانشجویان دانشگاه پیام نور مریان با راه پیمایی سمبولیک در دفاع از اعتصاب و علیه بیکاری با انتشار بیانیه ای مردم شهرهای کردستان را به پیوستن به اعتصاب و اعتراض فراخواندند. در این اطلاعیه دانشجویان ضمن تاکید بر اهمیت اعتصاب، از خواست کار یا بیمه بیکاری حمایت کرده اند و کارگران و جوانان بیکار را به اعتراض سراسری علیه بیکاری فراخوانده اند.

### ادامه دی ماه ۹۶

اعتصاب در شهرهای کردستان ادامه خیزش انقلابی مردم در سراسر کشور و نشانه قدرت و آمادگی مردم برای مبارزه علیه فقر و بیکاری و برای پایان دادن به عمر ننگین جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی میدانند که اعتصابات

**KANAL JADID**  
کانال جدید

فرکانس جدید تلویزیون کانال جدید  
ماهواره یاه ست  
فرکانس : 12073  
پولاریزاسیون : عمودی  
سیمبل ریت : 27500  
اف ای سی : 7/8

تراکت های حزب  
کمونست کارگری ایران  
را تکثیر و وسیعاً پخش کنید

www.wpiran.org

به حزب کمونست کارگری ایران  
پیوندید

اول ماه مه، روز جهانی کارگر:

روز نمایش عزم و اتحاد

برای بازگرداندن اختیار به انسان!

کمتر مناسبی چون اول مه بر شریعت منت دارد! اگر جنبش جهانی اول مه برای کاهش ساعت کار و سایر تلاش های قهرمانانه طبقه کارگر در سراسر جهان در برابر سرمایه داری و بی حقوقی و نابرابری ناشی از آن نبود، اکنون چه بسی روزگار معمول و قانونی کماکان ۱۲ تا ۱۸ ساعت بود، کار کودکان و پرداخت نابرابر به زنان صدمه بیشتر جنایت میکرد، نه فقط از هیچگونه بیمه بیکاری و بازنشستگی و نظایر آن خبری نبود بلکه همان مختصر آزادی های سیاسی و حقوق مدنی چون حق رای همگانی و غیره هم در جایی برقرار نبود. مبارزه متحد و جهانی کارگران، که اول مه مهمترین سمبل آنست، ستون اصلی همانقدر مدنیت و حقوقی است که اینجا و آنجا به بورژوازی تحمیل شده است؛ اکنون نیز که سرمایه داری در قرن بیست و یکم نوع بشر و همه ساکنین کره خاک را به نابودی تهدید میکند، تنها مایه امید همانا مبارزه متحد و جهانی پرولتاریا برای رهایی خود و کل بشر از یوغ سرمایه و دولتهای آن است. لذا اول مه نه فقط روز اتحاد و مبارزه برای خواسته های بلافصل کارگران که روزی برای نمایش عزم و اتحاد برای بازگرداندن اختیار به انسان است!

در ایران نیز، از دوره رضا خان تا همین امروز، اول ماه مه و مبارزه کارگری بطور روزافزون و بالنده ای تکیه گاه و الهام بخش تلاش جامعه برای رفاه و عدالت و برابری و آزادی بوده است. آخرین نمونه همین خیزش انقلابی دیماه ۹۶ است که در صد شهر مردم معترض علیه همه جناح های جمهوری اسلامی به میدان آمدند. اما کیست که نداند این خیزش انقلابی بیش از هر چیز بر اعتراضات و اجتماعات و تظاهرات بیشمار کارگران و معلمان و

بازنشستگان در سالهای اخیر برای "معیشت و منزلت" تکیه داشت؟ کیست که نداند زنان و مردان جوان نیروی محرکه اصلی این خیزش زیر و روکننده جان به لب رسیده ترین و رادیکالترین بخش های طبقه کارگر و مردم محروم بودند؟ و دقیقاً بخاطر خیزش دی ماه و اوضاع سیاسی جدیدی که بوجود آورده است، امسال اول ماه مه، یعنی روز اتحاد و ابراز وجود طبقه کارگر، اهمیتی بر جسته تر می یابد.

گفتمان اصلی اول مه امسال مبرم تر از همیشه تاکید بر نقش تاریخی و رهبری کننده ای است که طبقه کارگر باید ایفا کند. اینکه بصورت یک نیروی سراسری و متحد، به مثابه یک قدرت سیاسی متشکل و متحزب ظاهر شود و مردم محروم را پشت سر خود بسیج کند و جامعه ایران را از منجلاط جمهوری اسلامی و سرمایه داری به سلامت عبور دهد. نه فقط هیچیک از جناح های جمهوری اسلامی بلکه هیچ نیروی راست و طرفدار بقای سرمایه داری در اپوزیسیون نمی خواهد و نمی تواند خواستها و مطالبات مردم، یعنی آزادی و برابری و رفاه و متحقق کند. این خواستها فقط در یک جامعه سوسیالیستی قابل تحقق است. تنها طبقه کارگر و حکومت انسانی اوست که به همه نابرابری های اقتصادی و بی حقوقی های سیاسی و تبعیضات طبقاتی، ملی، مذهبی، جنسیتی و غیره پایان میدهد. تاکید بر اهمیت اتحاد و تشکیل سراسری طبقه کارگر و بخصوص اهمیت تحزب کمونیستی و همینطور تاکید بر ضرورت دخالتگری و پیشتاز بودن طبقه کارگر و رهبرانش در همه عرصه های مبارزه چه اقتصادی و چه سیاسی و چه عرصه های معینی

معلمان فراخوان اعتصاب سراسری دادند

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان در بیانیه ای که به مناسبت هفته معلم و خطاب به معلمان، دانش آموزان و والدین آنها منتشر کرده است، چندین روز تجمع اعتراضی از ۱۲ تا ۱۹ اردیبهشت را فراخوان داده و بر برخی از خواست های معلمان و خواست تحصیل رایگان بعنوان یک خواست مهم مردم تاکید کرده است. از جمله معلمان را فراخوان داده است که روز ۱۸ اردیبهشت در مقابل مجلس تجمع کنند و روز ۱۹ اردیبهشت دست به اعتصاب در دو ساعت آخر روز و تحصن در دفاتر مدارس بزنند.

تشکل های صنفی فرهنگیان در این بیانیه به زندانی کردن و سرکوب معلمان و پولی شدن مدارس و محرومیت دانش آموزان از تحصیل رایگان و با کیفیت، اعتراض کرده و از آموزش رایگان و با کیفیت، افزایش دستمزد معلمان و حق تشکل دفاع کرده است.

حزب کمونیست کارگری

پیش بسوی یک اول مه باشکوه در سراسر کشور  
پیش بسوی اعتراضات و اعتصابات سراسری  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۶ اردیبهشت ۱۳۹۷، ۲۶  
آوریل ۲۰۱۸

به حزب کمونیست  
کارگری ایران پیوندید

انترناسیونال

نشریه حزب  
کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

مسئول فنی: سهند مطلق

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

نظیر آزادی زندانیان سیاسی، مبارزه علیه حجاب و علیه مذهب و غیره، اجزاء مختلف ایفای نقش رهبری کننده طبقه کارگر است.

همچنین اول ماه مه امسال فرصتی برای پاسخ دادن به فوری ترین خواست های کارگران و برداشتن گامهایی در جهت تحقق عملی اتحاد سراسری طبقه کارگر است. خواست افزایش دستمزدها و گام برداشتن بسوی اعتراضات و اعتصابات سراسری برای افزایش دستمزدها که اکنون توسط برخی تشکل های کارگری مطرح شده است، مساعدترین زمینه برای پیشروی در جهت عمل متحد و سراسری کارگری است. بی شک هر اندازه موفقیت در برداشتن چنین گامی نه فقط تاثیر محسوس و عملی در عقب راندن جمهوری اسلامی و بهبود معیشت مردم کارگر و زحمتکش خواهد داشت، که طبقه کارگر را بعنوان یک نیروی سیاسی جدی و رهایی بخش بیش از پیش در جامعه مطرح خواهد کرد.

حزب کمونیست کارگری همه بخش های طبقه کارگر اعم از کارگران و معلمان و پرستاران و بازنشستگان و بیکاران را به برپایی اول مه ای هرچه گسترده تر و پرشورتر فرامیخواند. حزب از همه مردم آزادیخواه و برابری طلب دعوت میکند تا به جشن اول مه و صف رهایی بخش کارگران پیوندند.

زنده باد اول مه  
زنده باد آزادی، برابری، رفاه  
زنده باد حکومت کارگری!  
زنده باد سوسیالیسم!

حزب کمونیست کارگری ایران  
۳ اردیبهشت ۱۳۹۷، ۲۳  
آوریل ۲۰۱۸

fb.com/wpiran/

## اعتراضات کارگری در آستانه اول مه

و همراه با بازنشستگان، معلمان، کشاورزان و عموم توده های آزاده مردم ایران، گامهای تعیین کننده ای را برای پایان دادن به مشقات مصائب موجود و بن بست اقتصادی سیاسی کشور برداریم. نجات کشور از نابودی و تباهی و فقر و فلاکت در دستان متحد ما کارگران و در گرو اعتراضات سراسری ماست»

فراخوان به اعتصاب سراسری معلمان شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان نیز در بیانیه ای به مناسبت هفته معلم مراسم ها و تجمعات مختلفی را فراخوان داده و بر خواست های فوری خود از جمله تحصیل رایگان برای همه کودکان تاکید کرده اند. در این بیانیه کلیه معلمان در سراسر کشور به اعتصاب دو ساعته در روز ۱۹ اردیبهشت فراخوان داده شده اند.

حزب کمونیست کارگری ایران ضمن حمایت از اعتراضات و اعتصابات کارگری، در آستانه اول ماه مه همه کارگران و مردم آزاده را فرا میخواند که خود را برای برگزاری هر چه باشکوهتر این روز آماده نمایند. اول ماه مه امسال میتواند نمایش عزم جزم کارگران و همه مزدبگیران زحمتکش برای بزرگترین کشیدنی نظام سرمایه داری باشد.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۶ اردیبهشت ۱۳۹۷ - ۲۶  
آوریل ۲۰۱۸

ماهشر  
رانندگان خط بندر ماهشهر روز شنبه اعتصاب کردند.  
بازنشستگان به استقبال روز جهانی میروند  
گروه اتحاد بازنشستگان طی بیانیه ای کلیه بازنشستگان، کارگران، معلمان، پرستاران و سایر مزدبگیران را فراخوان داده اند که اول مه، روز جهانی کارگر، ساعت ده صبح در مقابل مجلس اسلامی تجمع کنند. بازنشستگان در بیانیه خود بر خواست های فوری خود از جمله حق تشکل، حداقل حقوق ۵ میلیون تومان و آزادی زندانیان سیاسی تاکید کرده اند.

تشکل های کارگری به استقبال روز جهانی کارگر میروند  
۵ تشکل کارگری، اتحادیه آزاد کارگران ایران، انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، سندیکای نقاشان استان البرز، کانون مدافعان حقوق کارگر و کمیته پیگیری ایجاد تشکل های مستقل کارگری، به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر بیانیه مشترکی منتشر کردند. تشکل های کارگری در این بیانیه ضمن دادن تصویری از اوضاع حاکم بر کشور، اعلام کرده اند که «ما می توانیم و باید در جای جای کشور دستهایمان را در دست همیگر بگذاریم و در ابعادی سراسری با خواست رهایی از فقر و فالکت، نیروی بهم پیوسته خود را به جنبشی عظیم تبدیل کنیم و متحد

پود تبریز  
کارگران شرکت اطلس در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزد و اخراج ۷۰ نفر از همکارانشان دست به تجمع اعتراضی زدند.  
- کارگران پیمانکاری حراست پالایشگاه فاز ۲ بیبلند ۲ بهبهان در اعتراض به عدم عقد قراردادهای کاری تجمع کردند.  
۱ اردیبهشت

تجمع کارگران فولاد ارومیه روزشنبه اول اردیبهشت، کارگران کارخانه فولاد ارومیه در ادامه اعتراضات دامنه دار خود نسبت به عدم پرداخت مطالبات و وعده های توخالی مسئولان استان، سفره خالی مقابل استانداری آذربایجان غربی پهن کردند. کارگران گروه صنعتی فولاد ارومیه، حدود هشت ماه است در مقابل ادارات مختلف از جمله اداره کار، خانه کارگر، استانداری و دفاتر نمایندگان مجلس دست به تجمع اعتراضی زده اند.

- تجمع کارگران بیکار شده فاز ۱۹ پارس جنوبی  
تعدادی از کارگران پیمانکاری فاز ۱۹ پارس جنوبی که با اتمام پروژه بیکار شده اند، مقابل درب ورودی مجتمع تجمع کردند. در این حرکت اعتراضی، کارگران درب فاز ۱۹ پارس جنوبی (عسلویه) را مسدود و اجازه هیچ ترددی به داخل یا خارج فاز را ندادند.

اعتصاب رانندگان خط بندر

بیکاران منطقه در مقابل پتروشیمی ایلام تجمع کردند.  
اعتصاب رانندگان سوخت رسانی اصفهان و یزد  
رانندگان سوخت رسانی اصفهان و رانندگان کامیون های سوخت رسانی یزد همزمان دست به اعتصاب زدند.  
۲ اردیبهشت

تجمع کارکنان رسمی صنعت نفت  
- بنا بر قرار از قبل تعیین شده صبح روز تعدادی از کارکنان رسمی صنعت نفت در اعتراض به اجرایی نشدن قانون معیشتی ماده ۱۰، برقراری تعدیل مدرک تحصیلی، موضوع بهداشت و درمان و نیز سنوات بازنشستگی کارکنان به نمایندگی از طرف همکارانشان در مقابل ساختمان اصلی وزارت نفت دست به تجمع زدند.

تجمع کارگران فولاد قزوین  
- بیش از ۲۰۰ کارگر کارخانه فولاد قزوین در اعتراض به اخراج نیمی از همکارانشان و تعویق پرداخت سه ماه دستمزد و حق بیمه در مقابل فرمانداری شهرستان تاکستان تجمع کردند. شرکت راه ابریشم، بهره بردار رسمی شرکت های فولاد قزوین، چندین ماه است که مسئولیت این کارخانه را برعهده گرفته، حقوق کارگران را بالا کشیده و حدود ۱۰۰ نفر از کارگران را اخراج کرده است.

تجمع کارکنان شرکت اطلس-

اعتصابات و اعتراضات کارگری در سراسر کشور ادامه دارد. با نزدیک شدن به اول مه روز جهانی کارگر، کارگران مراکز مختلف خود را برای برگزاری تجمعات و مراسم های اول مه آماده میکنند.  
۵ اردیبهشت:

تجمع بازنشستگان بانک های دولتی  
- جمعی از بازنشستگان بانک های دولتی در خیابان برزیل تهران تجمع کردند. در این تجمع، بازنشستگان بانک های صادرات، رفاه، ملی و سپه شرکت داشتند. حاضران در تجمع، خواستار همسان سازی حقوق و دستمزد بازنشستگان با کارمندان دستگاه های دولتی شدند.

اعتصاب رانندگان تاکسی شهرستان سلماس آذربایجان غربی دست به اعتصاب و تجمع زدند.

تجمع کارگران فولاد قزوین  
- کارگران شاغل کارخانه فولاد قزوین دست به تجمع اعتراضی در مقابل استانداری قزوین زدند و سپس تجمع خود را در مقابل دادگستری قزوین ادامه دادند و خواهان رسیدگی به خواسته های خود شدند.

تجمع مردم چوار ایلام در مقابل پتروشیمی  
صدها نفر از مردم شهرستان چوار در اعتراض به عدم استخدام

## احضار پنج فعال کارگری در آستانه روز جهانی کارگر

### در سندج را محکوم میکنیم!



است. ما از همه مردم آزادیخواه میخواستیم که در مقابل این اقدام رژیم با شرکت در مراسمهای روز کارگر اقدامات نهادهای اطلاعاتی-امنیتی را خنثی کنند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران  
۶ اردیبهشت ۱۳۹۷  
۲۶ آوریل ۲۰۱۷

مختلف از جمله روز جهانی زن و روز کارگر انجام میشود.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران این اقدام سرکوبگرانه نیروهای امنیتی را محکوم میکنند.

در شهرهای کردستان برپایی مراسم های اول ماه مه سنتی جا افتاده و شناخته شده برای کارگران و مردم است. روز کارگر جشن مردم

پنج نفر از فعالین کارگری شهر سندج؛ حبیب الله کریمی مشریف ساعدیپناه، خالد حسینی، غالب حسینی و مظفر صالح نیا در آستانه روز جهانی کارگر به دادگاه انقلاب شهر سندج احضار شدند.

احضار و تهدید اقدام سرکوبگرانه ای است که هر سال توسط نهادهای امنیتی-اطلاعاتی حکومت اسلامی بمناسبت های



LONG LIVE 1ST MAY!  
2018

زنده باد سوسیالیسم!  
سرنگون باد حکومت اسلامی سرمایه!

**Long Live Socialism!**

**Down with the Islamic  
Republic of Iran!**

**Worker-communist Party of Iran**